

راهنمای رشدآزمای علوم و فنون ادبی ۱۴۰۲

(پایه یازدهم)

- ✓ پاسخ سؤالات فعالیت گروهی و کلاسی
- ✓ پاسخ پرسش‌های پیشنهادی آزمون
- ✓ پاسخ‌نامه سؤالات چهارگزینه‌ای به همراه
- ✓ پاسخ‌های تشریحی خودارزیابی تهییه و تنظیم: س. ابراهیمی

بے نام والا ترین آفریدگار

@GamBeGulmDarsi

فهرست

صفحه

۴	نکات و ملاحظات
۶	درس یکم
۸	درس دوم
۱۱	درس سوم
۱۳	کارگاه تحلیل فصل یکم
۱۵	درس چهارم
۱۷	درس پنجم
۲۱	درس ششم
۲۲	کارگاه تحلیل فصل دوم
۲۳	درس هفتم
۲۵	درس هشتم
۲۹	درس نهم
۳۰	کارگاه تحلیل فصل سوم
۳۲	درس دهم
۳۵	درس یازدهم
۳۸	درسدوازدهم
۴۰	کارگاه تحلیل فصل چهارم
۴۳	غلط‌نامه

نکات و ملاحظات

دبيران و دانشآموزان محترم،

لطفاً پیش از مراجعه به راهنمای نکات زیر را از نظر بگذرانید:

- ۱- برای رعایت اختصار، از درج صورت سوالات کتاب رشدآرما و خودارزیابی‌های کتاب درسی، خودداری شده است.
- ۲- پاسخ‌های تکراری بین سوالات مشابه کتاب کار و کتاب درسی به یکدیگر ارجاع داده شده‌اند.
- ۳- برخی توضیحات ضروری در پاورپوینت ذکر شده‌اند.
- ۴- در بخش عروض نشانه * به معنای اختیارات شاعری است.
- ۵- ممکن است در پاسخ‌های مربوط به قلمروهای سه‌گانه، تفاوت‌ها یا اختلاف‌نظرهایی با کتاب‌های موجود دیگر یا نظرات دبیران محترم، وجود داشته باشد که همه آن‌ها بی‌شک فرست بسیار مناسبی برای بحث و تبادل نظر یا مقایسه دیدگاه‌های گوناگون خواهد بود.
- ۶- غلط‌نامه‌ای ضمیمه این راهنمایی است که برخی اشتباهات حروف‌چینی در آن اصلاح شده است. توصیه می‌شود هنگام مطالعه کتاب رشدآرما از آن استفاده کنید.

فصل يكم

@GamBe
@GambelDarsi

درس یکم: تاریخ ادبیات فارسی (قرن‌های هفتم، هشتم و نهم)

فعالیت گروهی و کلاسی

۱

جدول فشرده سبک عراقی			
عوامل پیدایش	ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی- اجتماعی و سیاسی	کلیات	
- روی کار آمدن حکومت‌های غزنوی و سلجوقی در قرن پنجم - تغییر مراکز ادبی از خراسان به عراق عجم	- شروع حمله ویرانگر مغولان و تسلط سیاسی- فرهنگی آنها - تخریب اخلاق و بنای فرهنگی - انتزاعی اهل داشن، فرهنگیان، شاعران و نویسندان یا فرار آنها از ایران - رواج عقاید صاحبان مذاهب مختلف به دلیل بی‌اعتقادی صاحبان مغول به دین خاص - پناه اوردن به تصوف و عرفان - ترویج روحیه تسامح و تسامح - گسترش هنرهای چون تذهیب و مینیاتور و معماری در اوخر این دوره	معرفی	رخدادها و جریان‌های فرهنگی- ادبی مهم
دلیل نام‌گذاری	محدوده جغرافیایی	محدوده زمانی	
به دلیل مرکزیت تحولات در ناحیه مرکزی ایران (عراق عجم) به این نام معروف شد.	عراق عجم (ناحیه مرکزی ایران شامل کرمانشاه، اصفهان، فارس، همدان، گلپایگان، ری، کاشان و قزوین) و آذربایجان	نیمه دوم قرن ششم، قرن‌های هفتم، هشتم و نهم (حدود صیصد سال)	مشاهیر و آثارشان
قرن هفتم: مولانا (مثنوی)، سعدی (گلستان و بوستان)، نجم الدین رازی (مرصاد العیاد)، عطاملک جوینی (تاریخ جهانگشای جوینی)، رشیدالدین فضل‌الله همدانی (جامع التواریخ)، وصف الحضرة شیرازی (تاریخ وصف)، شمس قیس رازی (المعجم فی معاییر اشعار العجم)	قرن هشتم: حافظ، خواجهی کرمانی، ابن‌یمین، حافظ و عبید زاکانی (رساله دلگشا، موش و گربه، اخلاق الاشراف، صد پند)، حمدالله مستوفی (تاریخ گزیده)، سلمان ساوجی	دوای (نام افر: اخلاق جلالی)	۲- داش آموزی /۳- داش آموزی /۴- (الف) خراسان- عراق عجم، ب) خواجهی کرمانی، ج) فتحم دایه- سلوک دین و تربیت نفس انسانی، د) خراسان- آذربایجانی، ح) تمثیل حکایت /۵-

موضوع	نوع نوشته یا نظم	نام نویسنده یا شاعر	نام اثر
اخلاق و حکمت	نثر	سعدی	گلستان
انتقاد اجتماعی	نثر	عبید زاکانی	موش و گربه
تاریخ مغولان	نثر	عطاملک جوینی	تاریخ جهانگشای
سلوک دین و تربیت نفس	مسجع	نجم الدین رازی	مرصاد العیاد
عروض، قافیه، بدیع و نقد شعر	نثر	شمس قیس رازی	المعجم فی معاییر اشعار العجم
معارف بشری و مسائل عرفانی	نظم	مولانا	مثنوی معنوی
تاریخ مغولان	ساد، عالمانه و پخته	رشیدالدین فضل‌الله همدانی	جامع التواریخ

۱. «پیان برده است» در متن سوال «به پیان می‌برد» تبدیل شود.

۶- الف) مخزن الاسرار نظامی، ب) گلستان سعدی، ج) تذکرہ الاولیای عطاء /۷- شاهنامه فردوسی (در قرن نهم به تذهیب و خط خوش نگاشته شد و بر آن تصاویر زیبا آراستند). // ۹- شمس قیس رازی = المعجم، حمدالله مستوفی = تاریخ گزیده، عیید زاکانی = اخلاق الاشراف /۱۰- فعالیت دانش آموزی /۱۱- حمله مغولان به ایران و تخریب بنایهای فرهنگی و علمی، متواری شدن بزرگان و دانشمندان را به همراه داشت، از طرفی خللم و ستم و جنایت‌های بی سابقه مغولان باعث انزوای اهل قلم، شعراء، نویسندهان شد. این تغییرات پیرو یأس و نامیدی غالب اجتماعی و نابودی اخلاق و فرهنگ، ایرانیان را به تسکین آلام و دردهای اجتماعی واداشت و در چنین شرایطی یکی از بهترین تسکین‌ها می‌توانست روی آوردن به عرفان باشد.

پرسش‌های پیشنهادی آزمون

- ۱- لحن سخن او گزند و سرشار از خیرخواهی و اصلاح طلبی است. / ۲- عطاء، مسائل عرفانی در قالب تمثیل / ۳- نظامی / ۴- نفحات الانس / ۵- سعدی و مولوی - نظامی / ۶- طنز تمثیلی / ۷- ابن‌بیمن - قطعه / ۸- نادرست - درست / ۹- به دلیل از بین رفتن دربارهای ادب‌دوست و از رواج افتادن مدیحه‌سرایی / ۱۰- لمعات = سیر و سلوک عارفانه، تاریخ جهانگشا = تاریخ خوارزمشاهیان

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

سوال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
پاسخ	د	الف	ب	ج	د	ب	ج	د	ج	الف

خودارزیابی درس یکم

۱- تباہ شدن بنیان فرهنگ و اخلاق، و یأس شاعران و نویسندهان موجب توجه به عرفان شد؛ همچنین، با از بین رفتن دربارهای ادب‌دوست و انتقال قدرت از خراسان به مرکز ایران، زبان و ادبیات فارسی در عراق عجم نیز گسترش یافت و زمینه‌هایی برای تغییر سبک خراسانی به عراقی ایجاد شد. شعر این عصر نرم و دلنشیش و پرخوردار از معانی عمیق انسانی و آسمانی است. در این عصر اغلب شعر از حاکمان روی برگردانند. سروdon قصیده که در خدمت ستایش شاهان بود و برای مدیحه‌سرایی کاربرد داشت، از رواج افتاد و به جای آن قالب غزل گستریش یافت؛ البته قالب مثنوی نیز برای ظهور عاطفه، اخلاق و عرفان میدان فراخی پدید آورد و نمونه‌های ارزشمندی مانند مثنوی مولوی سروده شد که می‌توان آن را نوعی حماسه عرفانی نیز تلقی کرد.

۲- نثر در این دوره به دو جریان عمده گراییش پیدا کرد؛ یکی «садه‌نویسی» در آثاری مثل طبقات ناصری و مرصاد العباد و دیگر «پیچیده‌نویسی» که محتواشان عمدتاً تاریخ حاکمان وقت بود. از نمونه‌های آن می‌توان به تاریخ وصف و تاریخ جهانگشای جوینی اشاره کرد.

۳- قالب رایج در سبک خراسانی عموماً قصیده بود، در حالی که در سبک عراقی، شعر به سروdon شعر در قالب غزل تمایل بیشتری نشان دادند.

۴- مولانا در دو محور اندیشه و احساس آثار جاودانه‌ای پدید آورد. وی در مثنوی معنوی و دیوان شمس به بیان معارف بشری و مسائل عرفانی پرداخته است.

۵- تغییر مراکز ادبی و سیاسی از خراسان به عراق عجم و روی کار آمدن حکومت‌های سلجوقی و غزنوی (ادامه در پاسخ سوال نخست)

۶- ویران شدن بنایها و آبادانی‌ها، تباہ شدن بنیان فرهنگ و اخلاق، یأس و سرخوردگی شاعران و نویسندهان، تکیه بر عواطف انسانی و ترویج روحیه تسامح و تساهل

-۷

نام کتاب	نام نویسنده	نوع نشر	موضوع و محتوا
گلستان	سعدی	مسجع	اخلاق و حکمت
مرصاد العباد	نجم رازی	مرسل - مسجع	بیان مسلوک دین و تربیت نفس
تاریخ جهانگشا	عظاملک جوینی	متکلف و مصنوع	تاریخ خوارزمشاهیان و فتوحات چنگیز

درس دوم: پایه‌های آوای

فعالیت گروهی و کلاسی

۱- دانش آموزی

۲-

ک نتوان براورد فردا ژ گل										بیا تا باریم دستی ژ دل										خط عروضی		ق	
ک	ن	ت	و	د	ف	ر	ا	ز	ن	و	د	ف	ر	ا	ز	ن	و	د	ف	ر	ا	ز	ایستگاه‌های آوای
ک	ن	ت	و	د	ف	ر	ا	ز	ن	و	د	ف	ر	ا	ز	ن	و	د	ف	ر	ا	ز	

ب جای خُد ک چرا پند دوستان نشینیدم										ب کام دشمن می دوست عاقبت بنشاندی										خط عروضی		ج	
ب	ک	ا	م	د	ش	م	د	ش	ن	م	د	ش	م	د	ش	ن	م	د	ش	م	د	ش	ایستگاه‌های آوای
ب	ک	ا	م	د	ش	م	د	ش	ن	م	د	ش	م	د	ش	ن	م	د	ش	م	د	ش	
ب	ن	ش	ان	د	ی	د	و	س	ت	ن	ش	ن	د	م	د	ش	ن	م	د	ش	م	د	پایه‌های آوای
ب	ن	ش	ان	د	ی	د	و	س	ت	ن	ش	ن	د	م	د	ش	ن	م	د	ش	م	د	پایه‌های آوای

شمع دلستو، پیش گشیدش										مُنتصِلستو، مُعَنِّدستو										خط عروضی		ن
ش	م	ع	د	ل	س	ت	و	م	ع	د	ل	س	ت	و	م	ع	د	ل	س	ت	و	ایستگاه‌های آوای
ش	م	ع	د	ل	س	ت	و	م	ع	د	ل	س	ت	و	م	ع	د	ل	س	ت	و	
پی	ش	ک	ش	د	ش	م	ع	د	ل	س	ت	و	م	ع	د	ل	س	ت	و	م	ع	پایه‌های آوای

شروع شادی پایان انتظار تُبی										مرا هوار امیدست هر هزار تُبی										خط عروضی		ه
ت	ب	ر	ت	ب	ر	ه	ر	ه	ر	ت	ب	ر	ه	ر	ه	ر	ت	ب	ر	ه	ر	ایستگاه‌های آوای
ت	ب	ر	ت	ب	ر	ه	ر	ه	ر	ت	ب	ر	ه	ر	ه	ر	ت	ب	ر	ه		
ر	ت	ب	ر	ت	ب	ر	ه	ر	ه	ر	ت	ب	ر	ه	ر	ه	ر	ت	ب	ر	پایه‌های آوای	
ر	ت	ب	ر	ت	ب	ر	ه	ر	ه	ر	ت	ب	ر	ه	ر	ه	ر	ت	ب	ر	پایه‌های آوای	

۳- منظور از خرباهنگ، تکرار منظم، یکنواخت و موسیقایی آواها با توالی و نظم است، مثلاً وقتی به صدای تیکتاک ساعت، یا شرشر باران، خواندن پرندهگان، حرکت آب در رودخانه و ... گوش می‌دهیم، متوجه می‌شویم نظمی مکرر در این صداها وجود دارد که با توالی‌های زمانی مشخصی شنیده می‌شود.

۴- منظور از رکن عروضی، مجموعه‌ای از ایستگاه‌های آوای در یک مرصاع است که با ترتیب و چیزی مشخصی در کنار هم قرار می‌گیرند و به توالی یا تناب در کل شعر تکرار می‌شوند. ۵-

دل ما را	ب دس تاز د	کشی رازی	آخر آن تُر	الف
ب خارا را	س مرق ند	دو پش بخ شم	ب خال هن	

کن م هر شب	ذ پی دا می	کن م هر رو	ت را گم می	ب
ک نم هر شب	ت مع نا می	ب هارا با	پ دین سان خا	

خ دارا	صا جب در لان	ز دس تم	دل می رَوَد	ج
ش کارا	خاه دش دا	ز پن هان	تر دا ک برَا	

۶- بیت نخست: ای نفس خرم باد صبا/ از بر یار آمده‌ای، مرحبا؛ بیت دوم: خم زلف تو دام کفر و دین است/ ز کارستان او یک شمه این است

پرسش‌های پیشنهادی آزمون

-۱

فَأَمْ أَوْ	لَعِلَّ آتَشْ	مَنْ زَوَّدَنَا	آبَآتَشْ	الف
رَامْ أَوْ	زُلْ فِي بِي آ	رَامَمْ زَدَلْ	مَنْ بَرَدَآ	

غَوْجَشِي	كَوَافِينْ مُرْ	دِلَمْ رَا	مَرَنْ جَانْ	ب
نَشِيْنَدْ	سَتْ مُشْكِلْ	كَبِرَخَا	زَبَامِي	

(ب)

-۲ الف)

آبَرِيْ كِدرْ	بِيْ يَا بَانْ	بَرِيشْ نَأيْ	بِيْ بَارَدْ	دِلَغَمْ	گُسَارِي	بِچَنْ گَا	يِذَتْ
---------------	----------------	---------------	--------------	----------	----------	------------	--------

۳ در گزینه الف، رکن سوم نادرست است: زبانی صورت درست آن است. ۴- با گزینه ب

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	سؤال
ج	ب	ج	د	ج	د	الف	ج	ب	ج	پاسخ

خودارزیابی درس دوم

-۱

دِيْ هَاهِيْ تُ	دِيْ هَاهِيْ شَا	دِرِيَاغْ شَا	دِيْ هَاهِيْ ثُ	إِيْ خُشْ مُنَا	الف
مِهْ مَانْ تُ	جَانِيْ كِشْدُ	شَا دِيْ خُرَدْ	بَرِجاِيْ نَانْ	بَرِجاِيْ نَانْ	

جِ بَيْنْ بَهْ*	غَ عِشْ قِيْ بَهْ	دِلَمْ رَا دَا	ب
تَشِينْ دِه	بِيْ يَا نِيْ آ	زَبَانِمْ رَا	

زَبَندِه*	زَهَا بِي	نَخَاهِدْ	آسِيْ رَشْ	پ
كَمَندِه*	خَلاصِرْ	نَجَوِيدْ	شَكارِشْ	

داِمَ دَادِه*	راِبِ جَكِمَتْ	عَنْ كَبُوتِي	ت
رامَ دَادِه*	راِدَروَآ	صَدِرِعَالِمْ	

غَرَنْ دَازِيمْ*	مُمِيْ دَرِسا	بِرَقْ شَانِي	بِيَا تَا مُلْ	ث
ذَرَنْ دَازِيمْ*	مُطَرِحِيْ نُوْه	فَبِشْ كَافِي	فَلَكِ رَاسِق	

۱. دلیل حذف نون در پایه‌های آویی، نامحسوس‌بودن آن در تلفظ است که باعث می‌شود از کثش هجایی کم شود.

۲. واژه سوم در گزینه ج، نفس با سکون ف و تک‌هجایی است.

۳. راج «ه» در چنین نمونه‌هایی حذف نمی‌شود، زیرا شنیده می‌شود: /h/

۴. این واژه با شکل /now/ تلفظ می‌شود و شکل قدیم تلفظ آن /naw/ است.

شَارِدَه	مَانِ ای سَر	فَانِ مَرا پُی	یا رَبَزْ عَز	الف
دا رِدَه	هُدَلِ بَی	جا نِ آگَا	چَشِ مِ بَی نَا	

بَسَی	رَغَبَتْ	شِ دَی وَا	مُكْنِ بَی	ب
کَسَی	شِ دَرَد	پَسَشْ گُو	بُودَکَر	

تَشْ مِی جَ هَد	وَرَآبْ رَما	گَمْ مِی دَوَد	بَارَانِ آش	پ
شَدَخَامِ رَا	سو زِشْ نَ با	عَوِینْ سَخَن	بَاعُونْ تِگَان	

هَادَم	سَی رَتَی پِن	هُرَکَ سَی رَا	هَادَم	ت
دا دَم	إِصْ طِلا حَی	هُرَکَ سَی رَا		

دَمِ کُن	بِدَرِ دَی یَا	مَرَأَهَ عَهَ	ه
نَ ما يَد	هَمِ جَانِ مَی	گِدَرِ دَتْ هَر	

- ۳- به عهده دانش آموز؛ دانش آموزان در این بخش می توانند از معادل های آواتی ارکان حذف شده اصواتی بسازند و در خانه ها قرار دهند؛ مثال برای گزینه الف؛ دم د دم دم / لای لا لای لای / ...
- ۴- تکراری (خودارزیابی های درس نخست)

^۶. تلفظ «بین» به شکل «این» نیز درست است که در این صورت حذف همزه رخ نصیدهد.

درس سوم: تشبیه

فعالیت گروهی و کلاسی

-۱

ارکان	رکن اول (مشبه)	رکن دوم (داد تشبیه)	رکن سوم (مشبه به)	رکن چهارم (وجه شبه)
الف	امواج دریا	همچون	دیوانه‌ای آشته	سرش را می‌کوید
ب	تنش	همچو	چوب خشک	افتاد
ج	پرندگان	گوشی	کودکان	به بازی می‌پرداختند

-۲- الف) باران به کردار الماس از اسمان فروریخت. ب) زندگی اش بهسان پاییز سرد و بی روح بود؛ پ) کتاب دلش سراسر غزل بود.

ارکان	رکن اول (مشبه)	رکن دوم (داد تشبیه)	رکن سوم (مشبه به)	رکن چهارم (وجه شبه)
الف	باران	به کردار	الماس	فروریخت
ب	زندگی اش	بهسان	پاییز	سرد و بی روح
پ	دل	—	کتاب	سراسر غزل

-۳- چشمۀ معرفت، گل روی، دیوار بی اعتمادی، دل شیر

-۴

درخت دوستی:	دوستی چون درخت می‌بالد، رشد می‌کند و میوه می‌دهد.
پرنده‌اشتی:	اشتی گوبی پرنده‌ای است که خیره‌ای خوب با خود دارد.

-۵- الف) چراغ دانش / ب) غبار غم

-۶

درینا: کرامتی چون دریا وسیع و بی‌بیان دارد.	آفتاب: امید مثل آفتاب در دلم می‌تابد.
سپهرو: او مثل سرو پلنقدامت و استوار است.	قطران: نگاهش همانند سپهرو بزرگ و بی‌انتهای است.

-۷

باران: باران برگ از درختان می‌بارید.	طراوت: لبخند طراوت صبح، اخم را از چهره‌اش زدود.
مادر: مادرم مثل کوه نستوه و مقاوم است.	توافقیک: غول توافقیک هر روز بزرگتر و بزرگتر می‌شود.

-۸- الف) خورشید، شادمانه می‌خندد.

-۹- الف) جان: مشبه- گرفتن نقش؛ وجه‌شبیه؛ ب) مشبه‌یه: شانه- وجه‌شبیه: فرورفتۀ (در سر) / -۱۰- درخت پدیده‌ای است عینی که رسیده، برگ، تنه و گاهی میوه دارد؛ اما دوستی به عنوان یک مفهوم ذهنی هیچ کدام از آن‌ها را ندارد. دوستی در واقعیت شباhtی به درخت ندارد؛ پس رابطه بین درخت و دوستی بر مبنای تخیل ایجاد شده و به دلیل نتایجی که هر کدام از آن‌ها می‌توانند در زندگی انسان داشته باشند، دوستی به درخت تشبیه شده است.

-۱۱- بیت اول: اشارات نظر به یک نامه‌رسان تشبیه شده است؛ بیت دوم: نگاه، زبان من و تو است؛ تشبیه نگاه به زبان عاشق و معشوق؛ بیت پنجم؛ تو بهار دل و جان باش؛ تو (معشوق) مثل بهاری باش و به دل من حیات و تازگی بیخش؛ بیت ششم: همه قصّه فردوس و تمنای بهشت تنها گفتگویی خیالی از جهانی است که من و تو با هم داریم؛ بیت هشتم: عقل به دیباچه‌ای تشبیه شده است و عشق به نامه‌ای (عقل با همه عظمتش تنها یک مقمه کوتاه است برای هستی شاعر و کتاب اصلی زندگی اش عشق است. (می‌توان در این بیت نامه را در برابر دیباچه به معنای کتاب هم گرفت.)

پرسش‌های پیشنهادی آزمون

۱- یلم: مشبه، قویی سبکبار؛ مشبه‌به، چون؛ ادات تشییه، بهنرمی همی رفت؛ وجه شیه /۲- گزینه ب (رخ گل به عکس روی یار، هوا به مشاطه و آب به آینه‌دار تشییه شده است). // ۳- (الف) خیال‌انگیز، ب) مشبه‌به، ب) جمله اسنادی /۴- دوران شباب؛ مشبه، دسته گلی شاداب؛ مشبه، مائد؛ ادات تشییه؛ تشییه دیگر در این بیت، سیلاط غم است که در آن غم (مشبه) به یک سیلاط (مشبه‌به) مانند شده است. /۵- تشییه بلیغ اسنادی؛ داش، مهتاب تاریکی است. تشییه بلیغ اضافی؛ مهتاب داش /۶- وجه شیه /۷- (الف) اسنادی؛ ب) اضافی /۸- پدیده‌ای که آن را به پدیده‌ای دیگر مانند می‌کنیم = مشبه؛ ویزگی میان مشبه و مشبه‌به؛ وجه شیه = واژه‌ای است که برای بیان شاهد میان دو پدیده به کار می‌بریم = ادات تشییه

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

سوال	پاسخ
۱۰	۹
۹	۸
۸	۷
۷	۶
۶	۵
۵	۴
۴	۳
۳	۲
۲	۱
۱	

خودارزیابی درس سوم

-۱

ردیف	تعداد تشییه	نوع تشییه	پایه‌ها ((رگان))
الف	چهار	گسترده	مشبه: در تشییه نخست و سوم مشبه «من» و از ساختار جمله محذوف است. مشبه‌به: مشبه‌به‌ها به ترتیب عبارتند از: مرغ- سرو- ابر- غنچه
ب	یک	فشرده	ادات تشییه: به ترتیب چو- همچو- چو- همچو وجه شیه: به ترتیب بنالم- بیالی- پگریم- بخندی
پ	سه	فشرده	مشبه: ابرو: مشبه‌به: کمان مشبه: عشق- جان- عشق مشبه: پلا- شهید- کربلا

۲- (الف) به‌آرامی به هر سو پخش گشتن (صدا و بوی گل طرفین تشییه نفس و دیوار هستند). / نفس در مصراج اول نیز یک بار به ابری تاریک تشییه شده است که وجه شیه در آن تاریک بودن است.

ردیف	مشبه	مشبه	مشبه
الف	دل مث صنوبه‌ها صبور	گسترده	دلم مثل صنوبه‌ها صبور
ب	۱- زمین چو سینه سه راب	گسترده	۱- زمین چو سینه سه راب
پ	۲- جوش بربی	فشرده	۲- جوش بربی
	۳- ناوک صنوبه و غان	فشرده	۳- ناوک صنوبه و غان
پ	اجرام کوه‌ها در میان برف مانند پنبدانه	گسترده	اجرام کوه‌ها در میان برف مانند پنبدانه
	در میان پنبد		در میان پنبد

ردیف	مشبه	مشبه	مشبه
الف	خواهش- عطش- زنگ	چتر- نسیم- زنگ	چتر- نسیم- زنگ
ب	باران	آینه	ضمیر

ردیف	مشبه	مشبه	مشبه
الف	برف	چون پرافشان پری‌های هزار افسانه	چون
ب	روز- شب	شمیع به شب- چراغی به صبح	شمیع به شب

۶- (الف) مشبه (عشق) + مشبه‌به (جام): ۶- ب) مشبه (جاده) + مشبه‌به (سنگ): ۶- ت) مشبه (باور) + مشبه‌به (حریر) / مشبه (من) محذوف = شاعر + مشبه‌به (ابر) + ادات تشییه (چون)

۷- (الف) مائد؛ ب) نمودی- مانستی؛ ب) گویی / ۸- بیشتر تشییه‌های به کاررفته در اشعار این سه قرن، از نوع فشرده و در قالب ترکیب اضافی تشییه‌ی هستند.

-۹

چ راغ	ت راغ	ی خون شد	جه زر یا
جهان چنچن	ش ب تی	غ ها چن	چ راغ

کارگاه تحلیل فصل

۱- در سطح موسیقایی و از آرایی «ر» در متن مشهود است؛ این واج در کل عبارت ۸ بار تکرار می‌شود که چند بار آن پی‌درپی است و همین ویژگی مفهوم باران را بهتر در ذهن خواننده تداعی می‌کند. در پایان عبارت نیز واج آرایی «ل» مشهود است؛ واژه گل چند بار تکرار شده است؛ در سطح بدیع معنوی از مراتعات‌نظیر بهره گرفته شده است؛ ابر-باران - بارید - خاک؛ دل و بد تناسب و اژگانی دارند؛ در سطح بیانی، ترکیب «ابر کرم» و «باران محبت» تشبیه بلیغ اخافی هستند و بد نیز مجاز از قدرت است.

-۲

قلمرو زبانی	قلمرو ادبی	قلمرو فکری
متن از واژگان مهجور فارسی تهی است؛ نشانه‌های تاریخی زبان از جمله «را»ی مالکیت در آن وجود دارد (دیده سیر است مراء، جان دایر است مراء...); تعداد واژگان عربی قبله است.	در سطح موسیقایی، با توجه اینکه قالب شعر غزل است، قافية‌ها در بیت اول و تمام مصraع‌های دوم ابیات است. ردیف دارد (شدم)؛ قافية مطابق با قاعدة دو است (سَدَّ: مصوت+صامت+صامت)؛ ابیات قافية درونی نیز دارند و این عامل شعر را آهنگین تر کرده است؛ در برخی ابیات جناس نیز دیده می‌شود، از جمله زَهْرَه و زُهْرَه، سیر و شیر، فلک و ملک، ملک و ملک، در همین بیت توالی جناس‌ها، واج آرایی نیز به وجود آورده است. در سطح بیانی، شعر سرشار از تشبیهات، استعارات، مجاز و کنایه است؛ کنایات: مرده، زنده، گریه و خنده در بیت نخست؛ سیر و زهره شیر در بیت دوم؛ بنده شدن در بیت سوم؛ بال و پر در بیت چهارم؛ بر سر زدن، پست و گذازنده در بیت پنجم؛ روشن در بیت ششم؛ سبق بردن و هفت طبق در بیت هفتم تشبیهات: زهره تابند شدم؛ چشمۀ خورشید تویی؛ سایه‌گه بید منم؛ اختر رخشندۀ شدم استعارات: دولت عشق آمد؛ جان دلیر؛ دیده سیر؛ شکر کند چرخ فلک؛ در سطح بدیع معنوی نیز تناسب‌های واژگانی، مراتعات نظیر و تناقض در برخی ابیات به چشم می‌خورد؛ چشمۀ و سایه‌گه، چرخ فلک و ملک، شیخ و پیشو و راهبر، ...؛ در هوسر بال و پوش بی پر و پر کنده شدم تصویری متناقض نماست؛ همین گونه است پست و گذازنده شدم در بیت پنجم.	در قلمرو فکری، با شعری در قالب غزل و با محتوایی کاملاً عارفانه روپرتو هستیم، مولوی به عنوان نماینده این مشرب در قرن هفتم، غزل‌های شورانگیزی با مضامین عاشقانه و عارفانه سرووده است؛ مضامینی که در آن تسلیم محض، عبودیت و خوش‌بینی به هستی دیده می‌شود. در این غزل نیز ما شاعر را عاشق وارسته‌ای در می‌یابیم که عبودیت، سعادت و نیکبختی خود را در گرو تسلیم محض در برابر فرمان خداوند می‌پیند.

«فَصل دوم»

درس چهارم: سبک‌شناسی (قرن‌های ۷، ۸، ۹)

فعالیت گروهی و کلاسی

- ۱- قلمرو زبانی: میزان واژگان عربی در آن قابل توجه است: فهم، خیال، نقش، حرام، صورت (در صورتگر)، لعل، ملک، ...؛ «باید بود» صورت تازه‌تری از «باید بودن» است که در گذشته زبان فارسی کاربرد بیشتری داشته است؛ ساختار جملات به کاررفته در شعر، به خلاف دوره پیشین، اغلب مرکب است؛ **قلمرو ادبی**: قالب شعر غزل است؛ ابیات، خیال‌انگیزی عمده خود را از شبیهه و استعاره گرفته‌اند؛ کلک خیال‌انگیز (استعاره)، لعل (استعاره)، انگشتی زنگار (شبیه)، صد ملک سلیمان... (تلخیم)، ...؛ **قلمرو فکری**: پیام بیت سوم نوعی پالایش روان و بیاعتنایی به غم‌ها و ناخوشی‌های دنیاگیر دیده‌می‌شود؛ در شعر درون‌ماهی و حال و هوای عرفانی غالب در این عهد مشهود است.
- ۲- قلمرو زبانی: به عنوان نمونه‌ای از نثر تاریخی، ساختمان جملات ساده است، ولی کاربرد واژگان غیرفارسی (عربی) در آن مشهود است: مخالفان، صوفیان، مریدان، کرامت، حال، ...، کاربرد ترکیبات عربی از جمله آخرالامر، سادگی نحو جملات را نشان می‌دهد این نثر متعلق به اوخر دوره سیصدساله سبک عراقی است؛ **قلمرو ادبی**: نثر تقریباً از آرایه‌ها خالی است، زیرا تاریخی است، واره و الاجهه معنای کتابی دارد (ازشمند، گرامی، نجیب‌زاده)؛ **قلمرو فکری**: متن بازگوگنده گوشاهای از نامنی‌های سیاسی- اجتماعی قرن‌های هفتم تا نهم است.
- ۳- نوشن کتب معروف تاریخی به زبان مرسل از جمله خفرنامه شامی، ترجمة کلیله و دمنه به انسای ساده (نووار سهیلی)، ...

پرسش‌های پیشنهادی آزمون

- ۱- به دلیل تغییر اوضاع سیاسی و اجتماعی، بیشتر دربارهای ادب دوست ایرانی از بین رفند و همین امر باعث شد زبان فارسی یکی از بزرگ‌ترین حامیان خود را در این عرصه از دست پدیده. به همین دلیل شعر از طبقه حکومتی فاصله گرفت و به عame نزدیک شد. ۲- زیرا مدحیه‌گویی که یکی از موضوعات اصلی قالب قضیده بود، در نتیجه جدا شدن شعر از رواج افتاد. ۳- مسائل سیاسی- اجتماعی /۴- تصوف /۵- علاقه کشورگشایان مغولی به ثبت فتوحات و افتخارات خود و نیاز اصطلاحات آن پرداختند. ۶- (الف) امیر علی شیر نوابی، ب) ظهیر الدین بابر، ج) ملاحسن واعظ کاشفی /۷- علاقه کشورگشایان مغولی به ثبت فتوحات و افتخارات خود و نیاز داخلی به ثبت وقایعی که در نتیجه حمله و تسلط مغولان در ایران رخداده‌بود. ۸- بیت دوم /۹- **قلمرو زبانی**: کاربرد افراطی لغات عربی؛ **قلمرو ادبی**: کاربرد فراوان آرایه‌های شبیهه و استعاره (زندان و بستان، ایوان خوشی، حجتات نعیم، ...); **قلمرو فکری**: بیان واقعی تاریخی و اغراق در بیان شکوه چنگیز /۱۰- نادرست- درست

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

سؤال	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
پاسخ	الف	ج	د	ج	ج	د	الف	الف	ج	ج

خودارزیابی درس چهارم

- ۱- (الف) زبان شعر به نسبت دوره‌های قبل در کاربرد حروف اضافه تغییر کرده است: در سفر (به جای اندرون سفر) در فراق (به جای اندرون فراق)، در شعر ساخت تاریخی افعال مشهود است: بزد (بای تأکید بر سر فعل)، سوزید (به جای سوت در معنای فعل ناگذر به کار رفته است)؛ کاربرد واژگان عربی در شعر مشهود است: معتمد، مقام، هجر، فراق، نفاق، مسکین، ...) در شعر اصطلاحات مربوط به عرفان به کار رفته است: هجر، فراق، مقام، خام، دوست؛ زبان شعر ترکیبی از ویژگی‌های شعر کهن و نو است.
- ۱- (ب) با توجه به اینکه شعر مربوط به قرن هفتم است، نشانه‌های گرایش به عرفان و تصوف در آن پیداست. موضوع اصلی شعر، نفی خودبینی و خودستایی است. این مفهوم از محوری ترین مباحث و تعالیم عرفانی است. شعر سبک عراقی نیز تمايز زیادی به ترویج و توصیه اخلاق، حکمت و خودشناسی دارد. از طرفی، شرط رسیدن به مقام خودشناسی، ترک خویشتن و تحمل ریاضت و سختی است. همان توصیه‌ای که یار (شیخ، محبوب) به مرید خود دارد.
- ۱- (پ) شعر بیان تمثیلی دارد؛ قالب شعر مثنوی و قافیه‌های آن در هر بیت، جداگانه است؛ در بیت تناسب‌های واژگانی رعایت شده است: هجر و فراق، پخته و سوخته؛ با توجه به اینکه شعر مثنوی عرفانی است، کمتر با لفظ پذاری و آرایه‌های ادبی همراه شده است.

شماره سوالات ۱۰ و ۱۱، به ۹ و ۱۰ تغییر گردند.

* تخلص در گزینه ج به تخلص تغییر گردید.

													مترادف نخست
تَان	سَكَن	كَيْـ	دَر	بَر	كَـ	رَشَـ	يَا	زَد	نَـ	بَا	-	-	
-	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	مترادف دوم
ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	
ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ
ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ

۲- به دلیل علاقه فراوان فرماتروایان مغولی به ثبت وقایع مربوط به پدران و اجدادشان.

۳- در شعر فردوسی، زبان قدیمی است و نشانه‌های آن در واژگانی چون ایدر، شادان دل، برآویختن، سخت (در معنای بلند و رسا)، رزمگه، ... دیده‌می‌شود. جایه‌جایی اجزای جمله در شعر فردوسی بیشتر است و در غزل حافظ کمتر؛ جملات به کاررفته در شعر فردوسی کوتاه‌ترند؛ در شعر فردوسی بین صفت و موصوف فاصله افتاده است؛ سوار آورم زبلی؛ واژگان به کاررفته در شعر فردوسی، سخت و خشن‌اند (سوار، رزمگه، خنجر، جنگ، خون ریختن)، در حالی که واژگان غزل حافظ لطیف و نرم‌اند (شعر تر، خاطر، حزین، نگین، انگشتتری، خیر، حسود، خیال‌انگیز)؛ در شعر حافظ ترکیب‌های نو و تازه دیده‌می‌شود؛ کلک خیال‌انگیز، صد ملک سلیمان، انگشتتری زنهار، ...

۴- ویژگی فکری؛ در بیت نوعی انتقاد، فریادخواهی و شکایت وجود دارد. این شکایت متأثر از شرایط ناهنجار اجتماعی زمان شاعر است. در بیت دوم نیز به مخاطب هشدار می‌دهد مراقب عملکرد خود باشد، زیرا نتیجه هر عملی پیش از همه، گریبان خود شخص را خواهد گرفت؛ تشبیهات؛ آب دیده مظلوم مانند آش است. (اشک دیده مظلوم؛ مشیله، آتش؛ مشیله به تشبیه فشرده) / تو چو شمعی هراسان باش. (تو؛ مشیله، شمع؛ مشیله به، چو؛ ادات تشبیه، هراسان؛ وجه شبه)

چُـنـین گــفــتــ	ت زــســ تــمــ	بــ آــواــ	بــ زــنــختــ	ــنــ								
ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ
ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ
ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ	ــنــ

درس پنجم: پایه‌های آوایی همسان (۱)

فعالیت گروهی و کلاسی

۱- منظور از پایه‌های آوایی، درنگ‌های منظم و یکنواخت بعد از هر دسته از هجاهاست که در یک شعر قرار دارد. این پایه‌ها باعث ایجاد یک یا چند خبرباهنگ می‌شوند و کلام را موزون می‌کنند؛ مثال: ز کوی یا ر می‌اید نسیم با د نوروزی

-۲

وَد	رَ	مِي	نَم	جَ	م	را	كَا	رَان	تَ	هَس	نَا	بَا	رَ	سَا	إِي	پایه‌های آوایی
وَد	رَ	مِي	نَم	جَ	م	را	كَا	رَان	تَ	هَس	نَا	بَا	رَ	سَا	إِي	علامت تاری
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	خوشه‌های آوایی
نَم مِي رَوَد		كَارَامْ جَا		نَاهِسْ تَرَان		إِي سَادْ بَا										

پایه‌های آوایی: دُ+تن+ها+وُ+دُ+ست+گر+دان+دُبی+گس

خوشه‌های آوایی: ع - -

۳- ایستگاه‌های آوایی: دُ+تن+ها+وُ+دُ+ست+گر+دان+دُبی+گس

وزن واژه: ت تن تن (مقاعیلن)

-۴

دیده سر	راهی بزن	در هوایت	دلیم با تو	آفرین	تماشا	به دام اندر	واژه
تن ت ت تن	تن ت تن تن	تن ت تن ت	تن ت تن	تن ت تن	تن ت تن	تن ت تن	وزن واژه
مفتلعن	مستفعلن	فاعلاتن	مقاعیلن	فاعلن	فعلن	مقاعیلن	نام وزن واژه
- ع ل -	- ع - -	- ع -	- ع - -	- ع -	- ع -	ع	خوشة هجایی
دست خدا	شیکریشکن	شانه کردم	فروشنده	بی هنر	چاران	خداآندی	مثال انتخابی شما

-۵

را	م	ت	رَس	لِي	د	ن	جَا	رَا	م	ت	رَس	سِي	دِي	دِي	پایه‌های آوایی
دَم	دِمْ	شُ	دِشْ	قَا	بَن	دِي	رَهْ	رَا	مِ	تَس	رَس	شِي	دِي	زَهْ	وزن واژه
-	ع	ع	-	-	ع	ع	-	-	ع	ع	-	-	ع	ع	خوشه‌های هجایی
مفتلعن				مفتلعن				مفتلعن				وزن واژه			

نَم	ش	دَا	دَا	نِي	غَا	فَ	شَن	شَن	غَلْ	دَرْ	كِ	مِي	يَا	أَيِ	پایه‌های آوایی	
نَم	ش	دَا	دَا	نِي	غَا	فَ	شَن	شَن	غَلْ	دَرْ	كِ	مِي	يَا	ن*	خوشه‌های هجایی	
-	ع	-	-	-	ع	ع	-	-	-	ع	ل	ل	لا	-	ع	
فاعلاتن				فاعلاتن				فاعلاتن				فاعلاتن				وزن واژه

شَدَ	بَا	نَ	غَم	مَا	نَ	ذ	دِي	نَا	رَا	تُ	كِ	مِي	يَا	دِي	پایه‌های آوایی
شَدَ	بَا	نَ	غَم	مَا	نَ	خَرْ	بِ	لَت	خَي	ذ	كِ	مِي	يَا	ن*	خوشه‌های هجایی
-	-	ع	-	-	-	-	ع	-	-	-	-	-	-	ع	وزن واژه
فعولن				مقاعیلن				مقاعیلن				وزن واژه			

پرسش‌های پیشنهادی آزمون

- ۱- تکراری - منظم / -۲- وزن و اژه (اسم رکن) / -۳- درست - نادرست / -۴- فاعلاتن، شفایق؛ مفاعilen، شفایق؛ فعولن، بی‌محابا؛ فاعلاتن، نسترن؛ فاعلن / -۵- صبوری‌ها، هم‌اندیشی، ... / -۶- کارهای، شاد و لذت، سرگرانی، ... / -۷- شاعری، -۸- شاعری، -۹-

چُنیح‌های یل	چُگردابی	تُبی م مُو	شَبْتَارِس	پایه‌های آوابی
مفاعilen	مفاعilen	مفاعilen	وزن و اژه	خوش‌های هجایی
--- U	--- U	--- U	--- U	خوش‌های هجایی

-۱۰- (الف) مفاعilen، ب) فاعلاتن

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

سوال	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	پاسخ
	ج	ب	ب	ب	الف	ج	ج	ب	ج	الف	د

خودارزیابی درس پنجم

-۱-

خوش‌های هجایی	وزن و اژه	نمونه
- ل	فعولن	کبوتر
- ل -	فاعلاتن	می‌نوشتم
- ل -	مستفعلن	دریادلان
- ل -	مفاعilen	نمیدانم
- ل -	مفاعilen	دری بگشا
- ل -	فاعلاتن	بامدادی
- ل -	مفتعلن	بالدان
- ل -	فعولن	کجا

-۲-

پایه‌های آوابی	الف
بِ گی تی هز	
بِ هم کر دن	
مفاعilen	وزن و اژه

پایه‌های آوابی	ب
چُخش صی د	
کِ کس مُ غا	
مفاعilen	وزن و اژه

پایه‌های آوابی	پ
تَنْ قَرْ دی	
کی خَ بر یا	
فاعلاتن	وزن و اژه

-۳-

پایه‌های آوابی	ب
چَ غَمْ دی وا	
چَ با کَرْ مُو	
خوش‌های هجایی	خوش‌های هجایی

ست دل نیست*	کِ سو زی نی	هَ ران دل را	پایه های آوابی	الف
بُ گل نیست*	دِغ رَرَأ	دل آف سُر		

مَرَهَ می	تی ڈری غا	مالِ در دس	سی نِ ما لا	پایه های آوابی	پ
همِ دَمِی	مَدْخُ دارا	بِی بِ جانا	دلِ زِ تَن ها		

هَ می زَد	سَرْبَر رو	زِ خَس رَت بَر	پایه های آوابی	پ
هَ می زَد	خَت کو کو	بِ سَان فَا		

ز می کرد*	بُ لی آوا	سَ خَر گَه بُل	پایه های آوابی	الف
ز می کرد*	دُ با گُل را	هَ مَنِ نالِی		

غمِ فِرست*	دو سَت ما را	کَر دِای مِی	ما بِ غَم خو	پایه های آوابی	پ
دمِ فِرست*	نَزِد ما هَر	غَم فِرست تِی	تُح فِر ای کَر		

فعالاتن	فاعلن	فاعلاتن	فاعلاتن	وزن واژه	پ
- U -	-- U -	-- U -	-- U -	خوش های هجایی	

سُ رو دَن	خُ شا آز سَر	خُ شا آز نی	پایه های آوابی	پ
سُ رو دَن	مِ ای دِی گَر	خُ شانی نا		

فعولن	مَفاعيلن	مَفاعيلن	وزن واژه	پ
- U	-- U	-- U	خوش های هجایی	

سَ را یَت	سَ ای چَش مَم	عَ زَی زَم کَا	پایه های آوابی	پ
یِ پا یَت	دُ چَش مَم جَا	مِ یون هَر		

فعولن	مَفاعيلن	مَفاعيلن	وزن واژه	پ
- U	-- U	-- U	خوش های هجایی	

۵- (الف) شعر در قالب غزلی از سبک عراقی است و زبان طلیفی دارد؛ شاعر سعی کرده با تصویرسازی، احساسات عاشقانه خود را بیان نماید: خون؛ کنایه از اشک خونین؛ اشک خونین خود را در مصراع دوم بیت نخست، به گل پاغ آشنایی نیز تشبیه کرده است. در دل همین ترکیب، یک تشبیه فشرده دیگر وجود دارد؛ پاغ آشنایی. این تشبیه، بلیغ (فسرده) است. در بیت دوم، تشبیه دیگری به کار رفته است: گلستان چشم؛ این تشبیه نیز فشرده (بلیغ) اضافی است. در همین بیت، چشم در مصراع دوم، کار کرد استعاری پیده

کرده است. در بیت آخر یک استعاره و یک مجاز برجسته وجود دارد: سر (خیال، تصمیم): در مصraig دوم استعاره‌ای در قالب تشخیص به کار رفته است: شنیده ام ز گل‌ها...؛ در همین بیت شنیدن بود نوعی حس امیزی است، زیرا بو شنیدنی نیست؛ گهگاه تناسب واژگانی نیز دیده می‌شود: گل و گلشن، گلستان و در؛ کاربرد تمامی آرایه‌های به کاررفته، تأیید کننده یکی از بارزترین ویژگی‌های شعر سیک عراقی است؛ شعری که توجه فوق العاده به آرایه‌های ادبی دارد.

۵- ب) شعر بازگو کننده افکار و اندیشه‌های عارفانه عراقي، شاعر معروف قرن هفتم است. وي از جمله عرفای اين قرن به شمار مي آيد و آثار عرفانی اش در دو حوزه غنائي و تعليمي معروفنده. در اين غزل نيز، ميل و نياز به وصل حق، عارف را به راز و نياز عاشقانه و داشته است. همچنان، مفاهيم مندرج در شعر، نشان دهنده اهميت دادن شعراء سیک عراقی به پاليش روح و دونان داد: او برای وصل باید اشک برپيزد و هجران را تاب بپاورد، زیرا اين هجران لازمه رسیدن به وصل است: چه کنم که هست اين ها...

درس ششم: مجاز

فعالیت گروهی و کلاسی

- ۱- الف) سر: معنای ناهاده (مجازی): موهای سر؛ ب) جهان: معنای ناهاده (مجازی): مردم جهان؛ ج) خاک: معنای ناهاده (مجازی): انسان؛ د) خون: معنای ناهاده (مجازی):
جان
-۲

ردیف	عنوان	مجاز (ناهاده)	معنای حقیقی	معنای مجازی	قرینه در کلام	علقه (بیوند- رابطه)
	الف	حلق	عضوی از بدن در دستگاه تنفسی	دهان	سخن	نژدیکی و مجاورت
	ب	مجلس	محل جمع شدن افراد دورهم	مردم حاضر در مجلس	پاریدن بر سر مجلس	رابطه محلیه
	پ	کام / زبان	دو عضو از بدن انسان (کام: دهان)	سخن - کلام	گویا	رابطه ایزار (الیه)
	ت	دم	نفس	سخن - کلام موثر	شنو	رابطه لازم و ملزم (ازمیه)
	ث	گوش	عوضی از بدن	انسان / افراد دیگر	در پس دیوار بودن	کل و جزء (جزئیه)
	ج	بت	تندیس	مشوق زیارو	همنشیخی وازگان بت و گل و سنبل	شباخت
	ج	گل	نوعی گیاه	صورت	در کار یکدیگر امری است که در عالم	
	ج	سنبل	نوعی گل	مو	واقع رخ نمی دهد؛ به همین دلیل ذهن را به سمت معانی غیرحقیقی سوی می دهد.	
	ج	شاخ صوببر	شاخ؛ شاخه؛ صوبه؛ نوعی درخت	مشوق خوش اندام و خوش بیکر	نشستن با شاخ صوبه و نشاندن او در کثار	شباخت

۳- مسابقه دانش آموزی / ۴- فعالیت دانش آموزی

پرسش‌های پیشنهادی آزمون

- ۱- سحر، مه، پروین: حقیقی؛ نظر: مجازی / ۲- الف) سر: معنای مجازی: بخشی از سر؛ مثلاً پیشتر یا کناره‌های آن، قرینه در معنای کلام و کاربرد رایج آن بین اهل زبان نهفته است؛ نفس: معنای مجازی: سخن یا کلام، قرینه: در گرفتن (به معنای آتش گرفتن، شعله‌ور شدن) / ۳- بازو: دنیا بازوانش را به رویم گشاده است؛ پا: پایش در تصادف آسیب دید. / ۴- در گزینه الف، نرگس به معنای چشم به کار رفته است / ۵- سروها از پا نمی ایستند. آن‌ها صبورترین و دنیادیده‌ترین هایند.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

سوال	پاسخ	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
خودارزیابی درس ششم	الف	ب	د	د	د	ب	الف	الف	ب	۵	۶

۱- الف) چرخ: (معنای نهاده: وسیله‌ای مدور که می گردد؛ معنای ناهاده: فلك، روزگار، آسمان، تقدیر)

۱- ب) سر: (معنای نهاده: عضوی از بدن انسان؛ معنای ناهاده: خیال، تصمیم، اندیشه، فکر)

۱- ج) سینه: (معنای نهاده: عضوی از بدن انسان؛ معنای ناهاده: وجود عاشق، قلب عاشق و صاحب درد، قلب انسان آگاه)

-۲

الف	ب	پ	ت	ث
فرد: آینده شهر: مردم شهر مرغ: ققنوس	خاکی و آبی: انسان که از آب و گل ساخته شده است.	نرگس: چشم	عالیم: مردم عالم	نگین: انگشتی در: کلون در

- ۳- دست: مجاز؛ گره گهودن از کار؛ قرینه مجاز / ۴- شعر در قلمرو فکری، بازگوکننده احساسات فردی شاعر نسبت به پیری و عذر عمر است. او از سپری شدن عمری که جز غم و ناراحتی برایش حاصلی نداشته، ناراحت است. در قلمرو ادبی، بارزترین آرایه آن، کاربرد سر در معنای مجازی است. منظور از سر در این بیت، موى سر است. از طرفی، سر به درخت شکوفه‌دار نیز تشبیه شده است؛ منظور از شکوفه‌ها، موهای سفید شاعر هستند. در مصراج دوم، درخت، کاربرد استعاری دارد. (استعاره مصربه): بر و سر با یکدیگر جناس ناهمسان (ذاقص) اختلافی تشکیل می‌دهند. / ۵- فعلون فعلون فعلون فعل

کارگاه تحلیل فصل

-۱

عنوان	تحلیل‌ها
تاریخ ادبیات	این غزل از سعدی، شاعر پرآوازه قرن هفتم است. قرن هفتم از دوره‌های نخستین سبک عراقی است. از این دوره غزل‌های عاشقانه و شورانگیز فراوان دیگری نیز به جا مانده است. مولوی و عطاء از دیگر غزل‌سرایان این عصر هستند.
سبک‌شناسی	غزلی است متعلق به سبک عراقی، در غزل واژگانی وجود دارد که با معنا و کاربرد امروزی خود متفاوتند؛ کشتن به معنای خاموش کردن و خوب به معنای زیبا است؛ ساخت افعال موجود در غزل، بیشتر بر مبنای الگوهای تاریخی است؛ ندانستم در معنای نمی‌دانستم (ماضی ساده در معنای ماضی استمراری)، عیب کنندم، تحمل نکنم، بگویی، بگریزد (مضارع ساده و التزامی در معنای مضارع اخباری)؛ در برخی ایيات حذف وجود دارد؛ عهد نابستن از آن به (است)، چون بدانست که در بند تو (بودن) خوشترا (است) ز رهایی؛ نحو جملات غزل روان، کوتاه، ساده و بدون پیچیدگی است.
موسیقی شعر	در قلمرو ادبی، تناسب‌های واژگانی، بیان و لحن عاطفی و سرشار از احساس شعر، کاربرد کنایات (در بند تو بودن، دل به تو دادن، انگشت‌نهایی)، استعارات (کمندت، غم از دل برود، ...، تشبیه (بار جاذبی) و محاج (شمع، خال، سر زلف، زنخدان) باعث بر جسته‌سازی زبان شعر است و توجه مخاطب را جلب می‌کند. در قلمرو ادبی، بازترین ویژگی غزل، بیان عواطف شخصی شاعر در عشق است؛ این درون‌مايه در قرن هفتم پسیار مودتوجه غزل‌سرایان بوده است. آسیب‌های اجتماعی وارد شده از سوی مفولان در قرون ششم و هفتم، مردم را به درون‌گرایی و ازدواج سوق داد و نمود این ازدواج، در غزل‌های عاشقانه و عارفانه این دوره مشاهده می‌شود.

۲- متن در قلمرو ادبی و در سطح موسیقایی، بر جسته و قابل توجه است زیرا سجع دارد (گفته و فرموده، بگسترده و پپورورد، زمردین و زمین، گرفته و نهاده) واژگان نبات و بیانات ناهمسان اختلافی تشکیل داده‌اند و توالی کسره‌ها در ترکیب‌های اضافی و وصفی، واج‌آرایی خلق کرده است. در سطح بیانی نیز، تشبیهات بی‌دربی متن را رنگارنگ و خیال‌انگیز نموده است (تشبیه باد صبا به فرآش، ابر بهاری به دایه، زمین به مهد، نبات به بیانات، ورق^۹ به قبای سبز، شاخه‌های درخت به اطفال و شکوفه به کلاه)؛ در سطح پدیده معنوی مراعات‌نظیر جایگاه ویژه‌ای در این متن دارد (خلعت و قبا و کلاه، مهد و دایه و پروریدن، فرآش و فرش و بگسترده، درخت و شاخ و ورق و شکوفه)؛ ترکیب فرش زمردین نیز یک ترکیب استعاری است.

^۹. حروف «بی» در پایان واژگان قافیه از حروف الحاقی به شمار می‌آیند و جزو اصلی نیستند.

۱۰. برگ

درس هفتم: تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های ۱۰ و ۱۱

فعالیت گروهی و کلاسی

۱- فعالیت دانش‌آموزی

-۲

مشاهیر ادبی قرن‌های دهم و یازدهم				
نام شاعر	قرن	القب	ویژگی‌های شعری	دلیل شهرت
بابافانی شیرازی	دهم		دقت، ظرافت و رقت معنی	مشهور به دلیل تأثیرگذاری بر زبان شعر فارسی (شعر فصیح)
وحشی بافقی	دهم		واقع گرایی و صراحت بیان در شعر، سوز و گذار عاشقانه	از پیشگامان مکتب واقع گرایی (واسوخت)
محتمم کاشانی	دهم		تابع ویژگی‌های عمومی شعر این دوره + سادگی و صراحت در شعر	مشهور در سروden ترکیب‌بند و اشعار مذهبی
کلیم کاشانی	یازدهم	خلاق‌المعانی ثانی	کاربرد خیال‌های رنگارنگ - کاربرد ضرب‌المثل و الفاظ عامیانه	به کار بردن مضماین ابداعی فراوان
صائب تبریزی	یازدهم	خانوادگار مضماین تازه	معروف‌ترین شاعر سبک هندی - مشهور در غزل و تکیت	اندیشه‌های عمیق و والا - توجه به فناهیم اخلاقی و عرفانی در شعر - نکته‌سنگی
بیدل دھلوی	یازدهم		مضمون‌سازی پیچیده و کاربرد استعاره‌های رنگارنگ و ذهنی	ابهام و تخیل‌های رمزآمیز در شعر

۳- ویژگی‌های شعری کلیم در غزل انتخابی: شعر در قلمرو زبانی، بسیار ساده، تأثیرگذار و روان است و با وجود بهره‌گیری از آرایه‌ها بیانی ساده و صمیمانه دارد. واژگان به کاررفته قابل درک و دور از پیچیدگی‌اند، نظردوخته در شعر به معنای چشمپسته و تپش در معنی اضطراب به کار رفته‌است، ساختار جملات نزدیک به زبان عامیانه است: داروی بیماری‌اش، مستی پیوسته است، از پیش آسوده است: نفوخته و ایزای عامیانه و گفتاری است: عبارات بال و پر ریخته و جان و دل سوخته نیز کاربردی و رایج در بین عامه است. در قلمرو ادبی، شاعر با بهره‌گیری مناسب از تشبیه (آتش پنهان عشق، دلیر بی‌خشم و گین گلبن بی‌زنگ و بوسٹ،...) استعاره (مرغ پریده ز دام، بال و پر ریخته، ...)، تلمیح (باز نظردوخته^{۱۰}، یوسف نفوخته^{۱۱})؛ در قلمرو فکری، با فردی روبرو هستیم که دل سوخته از مصائب دنیا بود و خود را به همراه مخاطب، به چشم‌پوشی از دنیا دعوت می‌کند. از طرفی، معتقد است انسان‌ها در خلف عادت و تکرار شناختن‌نمی‌شوند و باید سستی را کنار گذاشته و از قالب‌ها بیرون آیند (در صدف خود گهر، ...؛ او همچنان که لازمه شعر سبک هندی است در شعرش به مسائل حکمتی، عرفانی و انسانی - اخلاقی توجه نشان داده است.

پرسش‌های پیشنهادی آزمون

۱- مکتب وقوع، شعر فصیح / ۲- چاره‌اندیشی شاعران برای تغییر سبک و رهایی از تقلید در شاعری / ۳- دربار شاهان هند و اصفهان / ۴- قالی‌بافی، سفالگری، شیشه‌سازی، نقاشی، تذهیب و خوشنویسی / ۵ و ۶ و ۷- رجوع شود به جدول فعالیت کلاسی / ۸- در قرن‌های دهم و یازدهم، ادب گرامی شاهان هندی، موجب جذب شعرای فارسی زبان به آن دیار شد، به همین دلیل باعث رونق و گسترش زبان و ادبیات فارسی در شبه‌قاره هند شدند. از طرفی دیگر، شاهان صفوی، هم به علت برخورداری از مقام شیخی و رهبری طریقت، هم به دلیل رقابت با شاهان عثمانی و هندی به مسائل فرهنگی در داخل ایران توجه نشان داند و باعث روا هنرها ای از جمله قالی‌بافی، سفالگری، شیشه‌سازی، نقاشی، تذهیب و ... شدند.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

سؤال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
پاسخ	ز	ز	الف	الف	ز	ز	ز	ب	ز	الف

خودارزیابی درس هفتم

۱- بیت نخست: شاعر با بهره‌گیری از تصاویر مریبوط به واقعیات و تجربیات زندگی روزمره، زبان محاوره و آرایه حسن تعلیل به بیان و شرح وضعیت خود می‌پردازد و برای فقر و پوشش نامناسب خود، سعی می‌کند دلیلی موجه بیاورد: هرزه‌گردی و گشت و گذار در شهر، دلیل پارگی کفشن اوست، نه فقر!

۱۱. چشم باز و دیگر پرندگان شکاری را برای تربیت می‌دوزند. چشم دوختن در این ترکیب به معنی چشپوشی از همن و علائق دنیوی است.

- ۱- بیت دوم: مفهوم و پیام حکمی - اخلاقی در این بیت با تمثیل (= اسلوب معادله) به دست آمده است. صائب ابتدا در مصراج نخست مثالی می‌آورد که نشان دهنده عمق واپستگی و دلیستگی ایجاد شده در اثر طول زمان را نشان دهد و پس از آماده سازی ذهن مخاطب، از دلیستگی پیشتر پیران به دنیا می‌گوید. (بیت به طور ضمنی و تلویحی این ویژگی را نکوهش می‌کند).
- ۲- پادشاهان به دلیل پاییندی به اعتقادات و شریعتات کمتر، به شعر و مضامین عاشقانه زمینی بعما می‌دادند، به همین دلیل سروdon اشعاری با درون مایه‌های مذهبی، اخلاقی، پند و اندرز در این دوره پسیار رواج یافت. همچنین شعر اسلام کرند موضوعات کهنه را به زبان جدید بازآفرینی کنند و مضامین تازه خلق کنند.
- ۳- یکی از ویژگی‌های عمده شعر بیدل، ابهام‌ها و پیچیدگی‌های زبان شاعرانه است. این پیچیدگی به چند دلیل است: پیشتر وائزگان به کار رفته در شعر او، ذهنی و انتزاعی‌اند؛ یعنی بیدل اغلب (ونه همیشه) با مفاهیم تصویرسازی می‌کند: سعی، حیران، تپش، خشک، گم شدن، عزلت، وهم، عنقا، ... گاهی نیز وائزگان عینی (قابل درک با حواس پنج گانه) را به گونه‌ای در کنار هم قرار می‌دهد که تصویر حاصل از آن دور از ذهن و ذهنی می‌شود؛ زیرا از استعارات تو در تو استفاده می‌کند؛ به جیب ایله ریزم غبار صحراء (ایله: حباب؛ غبار صحراء استعاره از مظاهر زودگذر و فانی دنیا؛ غبار صحراء را به جیب ایله ریختن یعنی فنا را به فنا سپردن = نهایت فنا و بی‌مقداری) شعر بیدل سرشار از اندیشه‌های عرفانی و فلسفی است. عرفان، خودشناسی و حکمت ویژه بیدل در تمام ایات این غزل دیده می‌شود؛ او به عزلت عارفانه، دست شستن از دنیا و راه ندادن غیر به خلوت خود معتقد است.
- ۴- توجه خاص شاهان گورکانی هند به شعر و ادب، خصوصاً زبان و ادبیات فارسی و بی‌توجهی شاهان صفوی به شعر و مضامین عاشقانه به دلیل پاییندی به آداب دینی و شریعتات، باعث شد پسیاری از شعرها به دربارهای هند روی آورند.
- ۵- ترکیب‌بند و اشعار مذهبی و دینی. با توجه به اینکه صفویان مذهب تشیع را مذهب رسمی خود قرار دادند و در گسترش آن نیز کوشیدند، در این عهد، سروdon اشعار دینی، مرثیه‌ها و ذکر مصائب اهل بیت رونق گرفت. محتشم کاشانی نیز برخی از بهترین نمونه‌های مرثیه را سروده است. ترکیب‌بند معروف عاشورائی او نیز زیارت خاص و عام است.
- ۶- خواجهی کرمانی به عنوان یک غزل‌پرداز در قرن هشتم از شعرای پیش از خود تأثیر پذیرفته است. وی عمدت ترین تأثیرات خود را از نظامی در سروdon مثنوی و سعدی در سروdon غزل گرفته است. شعر وی نشان دهنده تسلط شاعرانه او بر زبان فارسی است. در عین حال خواجه و سعدی، بر حافظ نیز تأثیرات فراوانی درضمون سازی و زبان شاعرانه گذاشته‌اند.

۷- الف) دل، مجاز از انسان؛ ۷- ب)

تفطیع هجایی															پایه‌های آوابی		
د	رخ	ت*	دو	د	را	با	ب	دیل	م	ک	کن	شان	بن	تی	س		
ن	ها	ل*	دُش	ل	رد	ما	ش'	بی	چ	رَن	ک	کن	بر	نی	مَ	دو	
-	-	-	U	-	-	-	-	U	-	-	-	-	U	-	-	U	
مفاعیلن				مفاعیلن				مفاعیلن				مفاعیلن				مفاعیلن	

درس هشتم: پایه‌های آوایی ناهمسان (۲)

فعالیت گروهی و کلاسی

۱۷ - ۱

ایستادهای آوایی												هم نقد		
ن	شی	ند	ن	دل	ن	ی*	۱۳	خا	هان	ن	در	غ	مش	
ن شی ند			ن دل					نهان خا		غ مش در				پایه‌های آوایی
ن شی ند			ب مچ مل					کیلی لی		ب نازی				
ت تن تن (فعولن)			ت تن تن (فعولن)					ت تن تن (فعولن)		ت تن تن (فعولن)				وزن‌واژه
-	-	ع	-	-	ع	-	-	ع	-	ع	-	ع	-	خوش‌های هجایی

ایستادهای آوایی												هم نقد		
ت	مژ	قص	محف*	محف*	ت	زک	نم	ز	هی	ر	فت	صی	صی	
ز ک نم			گرفت مژ قص					گرفت مژ قص						پایه‌های آوایی
دن شد			ب اب ری شا					ب اب ری شا						
ت ت تن (فعلن)			ت ت تن تن (فعلاتن)					ت ت تن تن (فعلاتن)						وزن‌واژه
-	ع	ع	-	-	ع	ع	-	-	ع	ع	-	ع	-	خوش‌های هجایی

ایستادهای آوایی												هم نقد
آز	ن	پس	قان	قا	م	را	ب	د	دی	دی	آنده*	
آز ن پس قان												پایه‌های آوایی
آز ن فی رام												
تن ت تن تن (فاعلاتن)												وزن‌واژه
-	ع	ع	-	-	ع	ع	-	-	ع	ع	-	خوش‌های هجایی

ایستادهای آوایی												هم نقد
دل	بر	ک	جان	فر	سو	د	زو	کا	م	د	لَم	نگ شو د زو
دل بر ک جان												پایه‌های آوایی
نومی د دت												
تن تن ت تن (مستغلن)												وزن‌واژه
-	ع	-	-	-	ع	-	-	-	ع	-	-	خوش‌های هجایی

ایستادهای آوایی												هم نقد
ج	شُد	دو	ز	ذ	سو	د	زو	کا	م	د	لَم	نگ بِ پو شی
ج شد رو												پایه‌های آوایی
ن گه با												
ت تن تن (فولن)												وزن‌واژه
-	ع	-	-	-	ع	-	-	-	ع	-	-	خوش‌های هجایی

ایستادهای آوایی												هم نقد		
خ	دا	را	دا	د	من	پس	تا	ن	زو	ای	شح	ن	ی*	مج
خ دارا دا														پایه‌های آوایی
ک می با دی														
ت تن تن (مفاعیلن)														وزن‌واژه
-	-	-	ع	-	-	ع	-	-	-	ع	-	-	ع	خوش‌های هجایی

۱۲. از هر بیت فقط یک مصراع نقطی مدد است.

۱۳. علالت ستاره، نشانه اختیارات شاعری در کوتاه و بلند کرن مصوت‌ها و کلتش‌های آوایی است. برای درک این اختیار آن را با هجای برا برداش در مصراع نیگر مقایسه کنید.

۱۴. تبیبلت به تن (فعلاتن) در پایه (رکن) نخست از اختیارات شاعری محسوب می‌شود.

۲- مستفعلن (چهار بار)، مفتعلن (چهار بار)، فعالتن (چهار بار)، مستفعلن (چهار بار) / ۳- پس از تقطیع و جداسازی ایستگاهها و پایه‌ها به این نتیجه می‌رسیم که مصروع‌های الف- د و ب- ج، دویه‌دو با یکدیگر یکسانند. (پایه‌های آولی در گزینه‌های ب و ج ناهمسان است. ↪ درس یازدهم)

-۴

ایستگاه‌های آوابی												پیش اول						
فاعلن						فاعلاتن						فاعلاتن						وزن‌واژه
-	U	-	-	-	U	-	-	-	-	U	-	خوش‌های آوابی						

ایستگاه‌های آوابی												پیش اول						
فاعلن						مفتعلن						مفتعلن						وزن‌واژه
-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	U	U	-	U	U	U	خوش‌های آوابی	

ایستگاه‌های آوابی												پیش اول						
فعلاتن						فعلاتن						فعلاتن						وزن‌واژه
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	U	U	U	U	خوش‌های آوابی	خوش‌های آوابی

-۵

پایه‌های آوابی				پیش فضت
دیم	جزمه	رویان	دیم	
ب هر ذر می	دش	پن	دیم	
ن می گی رَد	طَ دی قی بَر	ر مه رویان	دیم جُزمه	پایه‌های آوابی
ن می گی رَد	وَلی کَنْ دَر	د هم پن دش	ب هر ذر می	وزن‌واژه
ت تن ت تن (مفاعیلن)	خوش‌های هجاین			
ـ	ـ	ـ	ـ	ـ

پایه‌های آوابی				پیش قوم
ور گِل ن هز	ما سَت شِ کا	تُسْ تَغْ رَا	تَنْ تَنْ تَنْ	
وزن‌واژه	خوش‌های هجاین	خوش‌های هجاین	خوش‌های هجاین	
ت نیست*	ق ک ار	ذ عی عیش	ک ب عی مُد	پایه‌های آوابی
فعل	فولون	فولون	فولون	وزن‌واژه
ـ	ـ	ـ	ـ	خوش‌های هجاین

-۶

پایه‌های آوابی					پیش آنها
در واژه‌بان	کاری	پاس آن گل	مفاعیلن	مفاعیلن	
چاپ زدها	گل آنها	توپ طلا	مفاعیلن	مفاعیلن	
در واژه‌بان	کاری	پاس آن گل	مفاعیلن	مفاعیلن	ـ
چاپ زدها	گل آنها	توپ طلا	مفاعیلن	مفاعیلن	ـ

-۷ (الف) مفتعلن، ب) ۳ وزن‌واژه، ج) - U -، د) مفتعلن مفتعلن فاعلن (تن ت تن، تن ت تن، تن ت تن) / - فعالیت گروهی- دانش‌آموزی

-۸

فعالتن	مستفعلن	مفتعلن	مفتعلن	فعالتن
مرتبی‌ها	پاس آن گل	مفاعیلن	مفاعیلن	فعالتن

پرسش‌های پیشنهادی آزمون

- ۱- پایه‌های آوابی / ۲- ب: فعولن / ۳- د- شکایت‌ها: مقاعیلن، دو دستش: فعلون، بی‌ثمری: مفتعلن / ۵- مقاعلن: خدای من، فعلاتن: جانِ ما را، مستفعلن: دلدادگی، فعلاتن: دلی من کو / ۶- مقاعیلن / ۷- درست- درست / ۸- هر مصراع چهار پایه دارد: فعلون، فعلون، فعلون، فعل

-۹

می (آ)	عش ق د می	هر س ح رز	پایه‌های آوابی
بِر ملا	می ش ن و م	رو ز د گر	
فَاعلن	مفتعلن	مفتعلن	وزن واژه
- U -	- U U -	- U U -	خوش‌های هجایی

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

سوال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	الف
پاسخ	ب	ب	ق	د	د	د	ب	د	ق	د	الف

خودارزیابی درس هشتم

-۱

ی دل تور	غ چُن رو	ه می با	ب خن دد	پایه‌های آوابی	الف
ک آذ فر	ک چُن مُش	ه می خا	ب بو ید		
فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	وزن واژه	
- U -	- U	- U	- U	خوش‌های آوابی	

تا ز ش و د	تا دج هان	تا ز ب گو	هین س ح ن*	پایه‌های آوابی	ب
دا ز ش و د	بی ح د آن	خد دج هان	وارَه دز		
مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	وزن واژه	
- U U -	- U U -	- U U -	- U U -	خوش‌های آوابی	

رَند*	تر پی ش دا	را و س فر	ذر یا د لان	پایه‌های آوابی	ب
رَند	ر خی ش دا	بِ راه وا	پا ذر کا		
۱۵ فَع	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	وزن واژه	
-	- U --	- U --	- U --	خوش‌های آوابی	

دا ز د م را	در آت شن	سا ز د م را	سو ز د م را	پایه‌های آوابی	ت
خی شم ک ند	بی گان از	سا ز د م را	و ز من ر ها		
مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	وزن واژه	
- U --	- U --	- U --	- U --	خوش‌های آوابی	

۱۵. شکل اصلی این وزن در کتب عروضی به صورت «مستفعلن مستفعلن مستفعلن» نیز آمده است.

بود ما	بود و نا	ای ب آ ذ ل	پایه های آوایی
سود ما	زین د و فر	وی ب آ ب د	
فاعلن	مفتعلن	مفتعلن	وزن واژه
- U -	- U U -	- U U -	خوش های آوایی

و درست*	ی شی دا	ب نفع نا	س عا دت	پایه های آوایی
* و درست	ی زو را	گ با زو	ن در چن	
فعل	فعولن	فعولن	فعولن	وزن واژه
- U	- - U	- - U	- - U	خوش های آوایی

دارم ت را	کز جان و فا	زم بی ش زین	چر هی ن دا	پایه های آوایی
ذا رم ت را	هر گز ن یا	زا رم ک نی	ور قص د آ	
مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	وزن واژه
- U --	- U --	- U --	- U --	خوش های آوایی

ب ت ماند	ک رو جو دی	ذ م ب دم	ن ظارا ور	پایه های آوایی
ذ ت رو حی	ذ م چس م ن	ذ ت جانی	ه م ایس م ن	
فعالتن	فعالتن	فعالتن	فعالتن	وزن واژه
--UU	--UU	--UU	--UU	خوش های آوایی

۲-الف) شعر در قالب غزل است؛ از ردیف فعلی در آن استفاده شده که از ویژگی های ادبی سبک هندی است؛ در شعر از تمثیل بهره گرفته شده است (بیت دوم)؛ بیت سوم تlimیح به داستان خسرو و شیرین و عشق فرهاد به شیرین دارد؛ در بیت پایانی مضمون سازی نو وجود دارد (مانند شمع همه سر شدن و بر باد رفتن = تقابل شمع و باد با توجه به رابطه آنها در واقعیت و شکل ظاهری شمع که سرا با سر است و هوا با آرزوی معشوق در آن است، در حال سوختن است و با باد عشق به فنا می رود). ایهام تناسب، مراعات نظری و تداعی معانی؛ از کنایه استفاده کرده است: بر باد رود، از باد رود.

۲-ب) سر: مجاز از خیال، اندیشه، فکر، مرکز تفکرات و آرزوهای انسان

درس نهم: استعاره

فعالیت گروهی و کلاسی

۱- الف) بازار؛ ب) گل خوش‌نمیم- بلبل؛ ج) نرگس- گل زرد؛ د) شمشاد خانه‌پرور؛ ح) عشق (اگر گوید...); و) دلم (را پند زنی)؛ ه) کبوتر- مهربانی (دست... خواهد گرفت)

-۲

واژه	تشبیه چهارگانی	تشبیه دورگفت	استعاره
ماه	ماه مثل یک دیس نقره‌ای گرد وسط آسمان است.	دیس نقره‌ای گرد ماه وسط آسمان است.	یک دیس نقره‌ای گرد وسط آسمان است.
دوست	دوستان گویا چراغ سیز دلم باشند که به من اجازه رفتن می‌دهند.	چراغ سیز دوست، به من اجازه رفتن می‌دهند.	دوست به من اجازه راه اخاذن می‌دهد.
سنبل	شاخه‌های سنبل انجار پشمک‌های رنگارنگ بودند در بساط دست‌فروش خودنهايی می‌گردند.	پشمک‌های رنگارنگ سنبل عبد در بساط دست‌فروش خودنهايی می‌گردند.	شاخه‌های پشمک رنگارنگ عبد در ...
قند	شعرهای قند کام وجود را شیرین می‌کند.	قند شعرهای کام وجود را شیرین می‌کند.	شعرهایت بیسان قند کام وجود را شیرین می‌کند.
شادی	کودک گمشده‌شادی، فاخته‌ای چون مادرش دور شده‌است.	شادی چون آن کودک گمشده‌ای است که از مادرش دور شده‌است.	شادی از مادرش دور شده‌است.

۳- سرشک چو باران، روزگار عمر چو برق یشد (ساخت استعاره: فعالیت دانش آموزی) / ۴- الف) ستاره تابان، سپیده شب هجران؛ ب) بخارا؛ در گزینه ب تشخیص است. / ۵- ترکیب‌های تشبیهی: مس وجود، کیمیای عشق؛ ترکیب‌های استعاری: رخ اندیشه، زلف سخن، دسترنج کاج‌ها / ۶- الف) رود گروههای کوچک مردم مثل رودهای کوچک همه‌جا گسترده بودند؛ ب) ماه دوری از معشوق زیبایی چون ماه، درخور و شایسته نیست.

پرسش‌های پیشنهادی آزمون

۱- الف) کارولن سرای، کاروان؛ ب) سرو، شمشاد چمن، سرو بستانی- سرو من در خانه‌ام، محبوی بلندقاامت و راست‌پیکر چون سرو دارم. / ۳- شبنم‌های صبحگاهی گوش برگ‌ها را زینت داده‌بودند. / ۴- پیشگاه حقیقت / ۵- در گزینه الف (نمیم سحر... کجاست) و ج (از دست غم مگر... خلاص من آن جا مگر شود) / ۶- گزینه ب: سنبل، گل، نرگس، سمن

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

سؤال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
پاسخ	ج	د	الف	الف	د	ج	د	ب	د	د

خودآزمایی درس نهم

-۱

(ب)	گل تاره (استعاره مصخره از معشوق) سرزنش [خار] جنا (اضافه استعاری- تشخیص)	(ب)	باد پامدادی.... می‌روی (تشخیص) روی شکوه (اضافه استعاری- تشخیص)	(الف)	چشم زاله (اضافه استعاری- تشخیص) روی شکوه (اضافه استعاری- تشخیص)
(ج)	[غمار بودن] آینه (تشخیص)	(ث)	[یستاندن] شب (تشخیص)	(ت)	[کاشن] مهر گل چیدن (استعاره از انجام عمل نیک)
(ج)	کیشته (استعاره از اعمالی که از انسان سر می‌زند).				

۲- خیاط باد صبا: باد صبا مانند خیاطی است که با وزیدنیش بر تن گل‌ها، لباسی زیبا از گلبرگ‌های رنگارنگ می‌پوشاند. (باعث شکفتن گل‌ها می‌شود.) تبدیل به استعاره: باد صبا هر سحرگاه رختی تازه برای گل‌ها می‌دوزد و به آن‌ها می‌پوشاند.

۳- ژاله استعاره از اشک (← شبانگاهان ژاله‌ای خونین اشک فرومی‌ریخت و غم می‌خورد.) نرگس تر: استعاره از چشمان اشک‌آلو: نرگس چشمان ترت زیباترین گل هستی است.

۴- زبان شعر ساده است، در بر دارنده حیرانی فیلسوفانه است: جهان را به یک کتاب کهنه که اول و آخرش از بین رفته، تشییه کرده است.

نام وزن‌واژه: فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعل

کارگاه تحلیل فصل

۱- الف و ب) تقریباً در همه ایيات با مضامین تازه مواجهیم؛ یک بار در شان عظمت هستی خود و محبت روحانی‌ای که در دل دارد، خود را به داغی ایدی و آب حیوان در پنهانه هستی تشبیه کرده است، و بار دیگر خود را به آینه‌ای تشبیه می‌کند که پشت به دیوار (حیرت) زده و در فهم هستی حیرت‌زده است. (وجه شبیه: فرد حیران در جای خود بی‌حرکت می‌ایستد، همان‌گونه که آینه بی‌حرکت به دیوار تکیه می‌دهد؛ در بیتی دیگری نیز خود را از شدت مستی و حیرانی مانند ادامه‌مستی و خماری چشم زیبارویان می‌بیند، در بیت آخر تفاخر شاعرانه دیده‌می‌شود (قلم خود را چراغ بزم عالمیان می‌داند، از همین رو همیشه در شبستان مشغول نگارش و سرایش است)؛ در همه ایيات تشبیه دیده‌می‌شود. بیشتر تشبیهات از نوع گسترده هستند. از جمله تشبیهات گسترده آن می‌توان به آب حیوانیم ما، پشت بر دیوار چون آینه...، مستی دنباله‌دار...، اشاره کرد. تخلص شاعرانه در غزل دیده‌می‌شود؛ در غالب ایيات می‌توان مفاهیم رایج شعر سیک هندی را دید: برتری عشق بر عقل، انتساب عاشق‌بیشگی و اورستگی به خود و هم‌کیشان خود (کاپرید خسیر جمع ما، بیانگر این ذکته است) و ...

۲- در قلمرو ادبی و زیبایی‌شناسی متن، می‌توان به تکرار واژه و اوج‌آرایی‌هایی اشاره کرد که متن را آهنگین کرده‌اند: تکرار واژه کمال و اوج‌های ا-ن-ی- در کلماتی که گاه هم‌وزن و گاه متقارنند و انواع سجع^{۱۶} را تشکیل داده‌اند. (روحانی و جسمانی- مردانه و عاشقانه)؛ متن تلمیع به باورهای دینی و آیات قرآنی دارد (بار امانت: اینا عَرَضَنا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجَبَلِ فَأَتَيْنَا نَّاْ يَشْمَلُنَّا وَأَشْفَقُنَّا مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا. احزاب / ۷۷)؛ در قلمرو فکری از بازترین و بیشگی‌های آن می‌توان به عرفانی بودنش اشاره کرد. از نظر گاه نجم‌الدین رازی در مرصدالعبداد و در این چند سطر، بندۀ حقیقی خداوند آن کسی است که بتواند هم دین را داشتمباشد، هم دنیا را، هم اهل علم و دانش باشد، هم اهل معرفت و عشق. تنها چنین فردی می‌تواند بار امانت الهی (عشق) را بر دوش کشد.

۱۶. برخی انواع سجع از جمله تضمین‌المزدوج و قرینه در کتاب‌های درسی توضیح داده‌شده‌اند اما موسیقی‌بیخت بودن آن‌ها در کلام مفهود است.

فصل چهارم

@GambierDarsi

درس دهم: سبک‌شناسی قرن‌های ۱۰ و ۱۱ (سبک هندی)

فعالیت گروهی و کلاسی ۱۷

۱- مراجعت به نمودار صفحه ۶۲/۲- فعالیت دانش آموزی

۳- الف) قلمرو زبانی: شعر پیچیدگی زبانی ندارد و به زبان عامیانه نزدیک است: بسته سلسله... و دیوانه رویی...؛ در قلمرو ادبی، شعر از کنایه (عقل و دین باخته، دیوانه)، آیه‌ام (بسته: به دو معنای قفل و زنجیرشده و واپس‌ته به کار رفته است)، استعاره (سلسله استعاره از مو) و تشبیه (سلسله‌مو: کسی که موی چون زنجیر، پیوسته و درهم دارد) بهره برده است؛ در مصراج دوم واج آرایی در واج س دیده‌می‌شود، شعر در قالب غزل و مردگ است (ردیف دارد): **قلمرو فکری**: از محبتوا و شیوه بیان ساده و بی‌اگراق احساسات در شعر می‌توان پی برد که شعر مربوط به سیک وقوع است. این بیت، شروعی از شرح حوادث عاشقانه با زبانی بی‌تكلف است.

۳- ب) قلمرو زبانی: بیت از واژگان مهجور فارسی و عربی خالی است، در شعر واژگان ترکی دیده‌نمی‌شود، آوردن «باز» در نقش قید و در آغاز جمله، نشانه فاصله گرفتن زبان از نثر کهن فارسی است؛ **قلمرو ادبی**: بیت با تلمیح به واقعه صور اسرافیل در پایان آفرینش، در صدد تصویرسازی و بیان واقعه‌ای هولناک و بی‌سابقه (اعشور) است. زمینه خیالی بیت در مصراج دوم اغراق است: خاسته تا عرش اعظم، در ترکیب «رسخیز عظیم» کنایه وجود دارد؛ **قلمرو فکری**: در بیت به صورت تلویحی و پنهان، مفاهیم مذهبی نهفته است؛ مفاهیمی که نشان‌دهنده توجه شاهان صفوی به دین و مذهب تشییع بود، موضوع شعر دینی و یک بیت از ترکیب‌بند محتشم کاشانی درباره واقعه عاشوراست.

۳- ج) در قلمرو زبانی با شعری ساده روبه‌رو هستیم، نحو شعر پیچیده نیست، همه واژگان آن، به غیر از فلاخن، ساده و زودیاب هستند. از ویژگی‌های دستور تاریخی زبان فارسی، نشانه‌ای در آن نمی‌بینیم؛ **قلمرو ادبی**: بیت مضمون‌سازی پیچیده‌ای دارد. این مضمون‌سازی از راه تمثیل به دست آمده است. معنای بیت از راه چند واسطه به دست می‌آید: شاعر بسیار بی تاب و نازارم است، به طوری که حتی اگر فقط نامش را هم بر روی نگین یک انگشت‌بند پنوسید، نگین از شدت بی‌تابی پرتاپ می‌شود و به درون فلاخن می‌افتد. (در شعر سبک هندی، اغلب تصویرسازی‌ها با همین پیچیدگی شکل می‌گیرند و برای دریافت مفهوم شعر، ذهن به تکاپوی زیادی وادر می‌شود): **قلمرو فکری**: شعر کاملاً معنی‌گراست و آن‌چه برای شاعر در اولویت قرار داشته، بیان شدت بی‌تابی خودش بوده، به همین دلیل فصاحت و بالاغت کلام از بین رفته و شعر دچار پیچیدگی شده است.

۳- د) در قلمرو ادبی بهره‌گیری از ردیف فعلی، ایجاد واج آرایی در واج «ش» و وزنی که از پایه‌های آوابی یکسان حاصل شده است، از ویژگی‌های آوابی و موسیقیابی آن است. در شعر چند استعاره بی‌دری، اما تقلیدی از سبک عراقی دیده‌نمی‌شود: نرگس (غمزه‌زن)، سنبل و بیمار؛ **قلمرو فکری**: شعر از مفاهیم فلسفی دور و کاملاً عاشقانه است؛ این مضمون نشان می‌دهد شعر متعلق به اوایل سبک هندی و مربوط به مکتب وقوع است، زیرا درباره مشوق و جفاها اول با زبانی ساده و صریح سخن می‌گوید.

۳- ح) صرف‌نظر از سادگی زبان و نزدیک بودن آن به زبان عامه، در قلمرو ادبی، با یکی از ویژگی‌های برجسته سبک هندی روبه‌رویم: بهره‌گیری از تمثیل و اسلوب معادله در تفهیم مطلب؛ مصراج دوم (اشک کباب موجب طفیان آتش است) در حکم مثالی برای مصراج اول است. این تمثیل (= اسلوب معادله) برگرفته از تجربیات عادی و روزمره زندگی شاعر است و به همین دلیل فهمش برای عامه مردم آسان است. **قلمرو فکری**: مفهومی که در شعر نهفته است (حفظ آزادگی و عزت نفس)، امری اخلاقی و از موضوعات مورد توجه شاعران این دوره است. این بیت از تکبیت‌های رایج سبک هندی است.

۳- و) **قلمرو زبانی**: واژگان کفش و پیچیه و هرزه‌گردی از واژگان عامیانه راهی‌افته به شعر هستند. در قلمرو ادبی بهره‌گیری شاعر از حسن تعلیل در آن برجسته است: چرا کفش من سر باز کرده و شکافته شده است؟ زیرا به هرزه‌گردی‌های ناشی از فقر من می‌خنده و به سخره‌گرفته است (در حالی که دلیل اصلی پارگی کفش شاعر فقر و بی‌پولی است)؛ **قلمرو فکری**: موضوعی که دست‌مایه شاعر برای مضمون‌سازی قرار گرفته، یک امر عادی روزمره است. شاعر به یکی از عادی‌ترین جنبه‌های زندگی شخصی خود پرداخته و آن را به شعر کشیده است. این شعر ویژگی یک تکبیت را نیز دارد.

۴- فعالیت دانش آموزی / ۵- با توجه به کاربرد انواع واژگان کم کاربرد عربی در متن (قلمرو زبانی) ولی ساختمان ساده جملات، استفاده از واج آرایی و هماهنگی حروف و تلاش برای آهنگین کردن متن (در قلمرو ادبی) و ارائه توصیفی از مجالس صوفیانه (قلمرو فکری) متن مربوط به نجونه‌های ساده سبک هندی است.

۵- مسابقه دانش آموزی

پرسش‌های پیشنهادی آزمون

۱- موضوعات فلسفی - عرفانی و حکمی - اخلاقی، دینی / ۲- دلیل نخست، حمله بیگانگان و از بین رفتن کتاب‌خانه‌ها و آثار کهن و در نتیجه دور شدن فضلاً از کتب قدیم یود، دلیل دیگر تغییر حوزه‌های جغرافیایی شعر و تأثیر پذیرفتن از زبان‌های محلی گوئاگون / ۳- بیت نخست: نزدیک بودن زبان شعر به زبان عامه؛ در شعر دوم؛ مصراج دوم از این شعر حس آمیزی دارد (به غیر از بو، صدایی نیست)

۱۷- شماره‌گذاری موارد فعالیت گروهی و کلاسی درمن دهم در متن کتاب رشدآزمای اشتباه است. آن‌ها را مجدداً از ۱ تا ۶ شماره‌گذاری، تپیس به پاسخنامه مراجعه کنید.

۴- اسلوب معادله: اظهار عجز در بر ظالم روا مدار

تمثیل: ساحل ز جویی سینه دریاست بی خبر

۵- الف) ساده- تاریخی؛ ب) دشوار- خواهشدن و می شود و می برد (اغلب ردیفها در سبک هندی، فعلی اند). / ع- در سبک عراقی، دایره واژگان شاعرانه، مشخص، محدود و فاخر و ادبی است و هر واژه‌ای جواز ورود به شعر را ندارد؛ در حالی که در شعر سبک هندی واژگان عامیانه و حرفه‌های گوناگون به شعر راه پیدا می‌کنند؛ مثال:

خون عاشق به قدر گر بخورد، نوشش باد

خنده می‌آرد همی بـ هر زه گردی های من

سبک هندی: بخیه کفشم اگر دندان نما شد، عیب نیست

سبک عراقی: ترگیس مست نوازش کن مردمدارش

۷- بدایع الواقع

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

سؤال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
پاسخ	د	د	د	د	ب	ب	الف	حذف	ب	حذف

خودارزیابی درس دهم

-۱

ویژگی‌های زبانی	کاربرد واژگانی چون دراز، پژمرده، نیض، عقده، مزار و بیکار نشان دهنده گسترش دایره واژگان شعری است؛ ترکیب‌هایی چون «دور نیست» در بیت پایانی «عقده باز نکردم» و «دور افتاده‌ام». «از چشم افتاده‌ام»، نشان دهنده ورود زبان عامه به شعر و ساده شدن آن است. افتاده‌ام در برخی ایات در معنی تاریخی خود به کار رفته است؛ بی قرار افتاده‌ام (شدام)
ویژگی‌های ادبی	شعر در قالب غزل است و در آن ردیف دشوار فعلی دیده می‌شود؛ بهره‌گیری‌های صائب از آرایه‌های ادبی در این شعر، تصادفی و اتفاقی نیست. او آگاهانه از شبیهات گوناگون برای بیان منظور و توصیف روحیات و احوالش بهره می‌برد؛ چون نگاه آشنا...، چون گل پژمرده...، چون گرداد در سرگشتنگی...، بیکار چون دست چنان...، صائب از تصاویر واقعی، در دسترس و ملموس محیط اطرافش برای تصویر سازی بهره می‌برد (قابل درک ساختن برای عموم مردم)، از جمله گل پژمرده بر روی مزار و دست بیکار چنان؛ در شعر چند استعاره نیز وجود دارد؛ چشم اعتبار، مژگان ابر نوبهار.
ویژگی‌های فکری	در قلمرو فکری، یک نکته در آن بسیار بارز است. صائب یک مفهوم را با مضمون‌های مختلف و متنوع بیان کرده است. او دچار یأس فلسفی و بحران هویت شده است و این بحران، بیهودگی و بی‌ثمری حیاتش را در قالب شبیهات و مضمون‌های مختلف بازگو می‌کند. شعر، سراسر معنی‌گراست و با استفاده از مضامین گوناگون در محیط و هستی، این بحران و حس سرخورده‌گی به تصویر می‌کشده می‌شود.

۲- الف) گل، نمادی (نوعی استعاره گستردگی) برای هر آفریده زیاست؛ تشییه خنده به موچ (بلیغ اضافی)؛ در ترکیب گریه تلح گلاب استعاره وجود دارد؛ بیان مقصود با بهره‌گیری از حسن تعلیلی پنهان و ظریف صورت گرفته است (گل باید برای گریه تلح گلاب گیری آماده شود زیرا مستانه، غافل و بی خبر از نایابداری دنیا، در حال خنده‌یدن است ولی پنداشته این خنده جاودان است). خنده و گریه تضاد تصویری و تقابل معنایی زیبایی ایجاد کرده‌اند؛ گل و گلاب نیز چنان ناهمسان اشتقاچی‌اند.

۲- ب) بیت با حسن تعلیل به بیان مفهومی عارفانه پرداخته است؛ کرسمه: اصطلاحی عرفانی است و منظور از آن توجه معموق به عاشق (حق به بند) است. در بیت، کنایه از توجه و هنرنمایی بسیار اندک از جانب حق است؛ پریدن چشم کوکب‌ها: کنایه از درخشیدن ستارگان؛ آسمان معنای ناهاده دارد (کل ستارگان و سیارات منظمه شمسی)؛ بیت حسن تعلیل دارد. پریدن مدام چشم ستارگان و درخشیدن آن‌ها نتیجه یک کرشمه حق در کار خلقت آسمان است.

۳- نثر سبک عراقی در دوره‌هایی از حیات خود، به دلیل گرفتار شدن در دام افراط‌های زبانی، به سستی و دشواری گرایید. کاربرد بیش از اندازه لغاتی ترکی- مغولی در برخی نثرهای این عهد، در کنار وفور واژگان عربی کم کاربرد و غریب آن را دشوار و خسته کننده می‌کرد. در نثر سبک هندی نیز وجود برخی از این ویژگی‌های نثر را سست و دیریاب و کسالت‌بار می‌کند. از دیگر شباهت‌های این دو نثر می‌توان به ترکیب درآمیختن نثر بانظم و توجه به موضوعات تاریخی اشاره کرد. نثر سبک هندی، تقلیدهایی عموماً ناموفق از سبک عراقی هستند. از تفاوت‌های این دو نیز می‌توان به کاهش واژگان عربی در سبک هندی و افزایش واژگان ترکی- مغولی، جمع بستن کلمات با نشانه «ات» عربی، کاربرد وجه وصفی و مطابیقه صفت و موصوف اشاره کرد که در نثر سبک عراقی کمتر به چشم می‌خورد.

۴- ترکیب واژگان زبان فارسی با واژگان ترکی- مغولی و گسترش زبان فارسی در خارج از مرزهای ایران، ضرورت تألیف فرهنگ لغت را برای فارسی‌زبانان و غیر آن بیشتر می‌کرد.

۵- ^{۱۸} تشبیهات به کاررفته در متن عبارتند از منجنیق فلک و سنگ فتنه که هر دو تشبیه بلیغ اضافی هستند. حصار آبگینه (حصاری از جنس شیشه) در مصراج دوم نیز استعاره از پناهگاه نامطمئن و سست است. سنگ و آبگینه در تقابل هم قرار گرفته‌اند و مفهوم متضاد دارند.

۶- مقایعین مقایعین فولون

۷- در قلمرو زبانی تتابع اضافات مشهود است: ناظمان مناظم سخن‌پیرایی، اوایل حال حضرت خاقانی، پیرایبندان سلسلة معنی آرایی، ...؛ به میزان چشمگیری از واژگان عربی در آن استفاده شده‌است. به دلیل تمایل به اطناب و کاربرد مقاهم مترادف در نثر مصنوع سبک هندی، واژگان مرکب نیز در آن وجود دارد: جنت‌مکانی، سخن‌پیرایی، پیرایبند، معنی آرایی، ...؛ تنااسب صفت و موصوف به شیوه زبان عربی در آن دیده می‌شود: ممالک محروسه (صفت مؤنث با جمع مکسر)، طبقه علیه (صفت مؤنث با موصوف مؤنث)؛ جملات نیز طولانی‌اند.

در قلمرو ادبی: در متن به تناوب، واج‌آرایی دیده‌می‌شود: ن- ظ، پ-ی-ر و ر- س؛ در ترکیب ناظمان مناظم جناس ناهمسان اشتقاقی وجود دارد؛ پیرایی و پیرایه نیز هم‌ریشه‌اند و این هم‌ریشگی، هم‌آرایی و آهنگ ایجاد کرده‌است. ترکیب سلسلة معنی آرایی، تشبیه بلیغ اضافی است؛ زنجیره واژگان پیرایبند، معنی آرایی و ناظمان با یکدیگر رابطه مراعات نظری تشکیل داده‌اند.

^{۱۸} صورت درست بیت:

زمجنیق فلک منگه فتنه می‌بارد

من ابلهانه گریزم در آبگینه حصار

درس یازدهم: پایه‌های آوایی همسان دولختی

فعالیت گروهی و کلاسی

۱- دانش آموزی (توضیحات ضروری در توضیح شعر دولختی یا دوری: در شعر دولختی هر مصراع، خود به لحاظ آوایی از دو لخت (بخشن) تقسیم می‌شود و بخش دوم از نظر آوایی تکرار بخش اول است. پایه‌ها در شعر دولختی، یک‌درمیان تکرار می‌شوند و هنگام خوانش شعر، در میانه مصراع و پایان لخت نخست، یک مکث کوتاه وجود دارد؛ انتخاب مثال از داش آموز) ۲- ویژگی نخست: در شعر، پایه‌ها متناوبند و یک‌درمیان تکرار می‌شوند: فعالن، فعلون (=مستعملن، فع)؛ ویژگی دوم: در پایان هر نیم مصراع یک مکث وجود دارد که این مکث پایان واژه نیز هست: آین تنقا ما نیز داشم / لیکن چه چاره با بخت گمراه؛ ویژگی سوم: در پایان نیم مصراع باید همانند پایان مصراع عمل کنیم و ممکن است شاعر از اختیارات استفاده کرده باشد؛ در مصراع نخست این بیت، چنین اتفاقی نیافتاده است، اما در مصراع دوم هجای «ر» در چاره تبدیل به یک هجای بلند می‌شود. (↓ جدول)؛ ویژگی چهارم: تناب خوب را در شر دولختی محسوس تر است.

فَعْلُون	فَعَلَن	فَعَلَن	فَعَلُون	فَعَلُون	فَعَلَن	فَعَلَن	فَعَلُون	فَعَلَن	فَعَلَن	فَعَلَن	فَعَلَن	فَعَلَن	فَعَلَن	فَعَلَن	فَعَلَن	فَعَلَن	فَعَلَن	فَعَلَن	
رَاه	تِبْغَم	جَرَّبَ	كِنْجَم	لَيْكَنْ	جَرَّجَم	رَجَّرَجَم	لَيْلَيْلَجَم	نَيْلَنَيْلَجَم	زَلَّلَنَيْلَجَم	مَلَّمَنَيْلَجَم	نَيْلَنَيْلَجَم	لَيْلَلَنَيْلَجَم	نَيْلَنَيْلَجَم	لَيْلَلَنَيْلَجَم	نَيْلَنَيْلَجَم	لَيْلَلَنَيْلَجَم	نَيْلَنَيْلَجَم	لَيْلَلَنَيْلَجَم	نَيْلَنَيْلَجَم

۳- دانش آموزی / ۴- دانش آموزی / ۵- علامت هجای بلند:

نمونه‌هایی از اشعاری که پایه‌های آوایی دولختی دارند:

نام وزن واژه	نمونه شعری	نحو
متصلن فاعلن // متصلن فعلون	سلسلة موی دوست، حلقة دام بلاست * هر که در این حلقه نیست، فارغ از این ماجراست	۱
مفعول مقاعیلن // مفعول مقاعیلن (مستعمل مفعولن // مستعمل مفعولن)	ای پادشه خوبان، داد از غم تنهاای * دل بی تو به جان آمد، وقت است که بازآنی	۲
فعالات فاعلاتن // فعالات فاعلاتن	پسم از هوا گرفتن، که پری نمایند و بالی * به کجا روم ز دستت، که نمی‌دهی مجالی	۳
فعان فعلون // فعلن فعلون (مستعملن فعل // مستعملن فع)	عیشم مدام است از لعل دلخواه * کارم به کامست، الحمدله	۴
مفعول فاعلاتن // مفعول فاعلاتن (مستصلن فعلون // مستصلن فعلون)	دل می‌رود ز دستم، صاحبدلان خدا را * دردا که راز پنهان، خواهد شد آسکارا	۵
مفاعلن فعلاتن // مفاعلن فعلاتن	ندانیمت به حقیقت که در جهان به چه مائی * جهان و هرچه در او هست، صورتند و تو جانی	۶

-۶-

بیت	خاک وجود ما را از آب دیده گل کن	ویران سرای دل را گاه عمارت آمد	نام وزن واژه
پایه‌های آوایی	خا کی جو جا را ما دی دل ران	گل کن تا را ران	وی
خوش‌های هجایی	کی جو جا را ما دل ران	گل کن تا را ران	وی
نام وزن واژه	فاعلاتن مفعول	فاعلاتن مفعول	فاعلاتن مفعول

بیت	مالک ملک وجود، حاکم رذ و قبول	هرچه کند جور نیست، ور تو پنالی، جفاست	نام وزن واژه
پایه‌های آوایی	ل کی مل کی هر	ل کی مل کی هر	پایه‌های آوایی
خوش‌های هجایی	ل کی ند کی هر	ل کی ند کی هر	خوش‌های هجایی
نام وزن واژه	فاعلن مفعول	فاعلن مفعول	فاعلن مفعول

باز بنشه رسید جانب سوسن دوتا															پیش	
تا	ذ	س	س	ب	سو	ب	ن	جا	سید*	ر	ش	تف	ب	ز	با	
با	د	نَد	رَا	دَ	بِ	مِي	بِ	بِ	پوش*	ل	لَعْ	لَغْيَ	بَ	زَ	با	پایه‌های آوایی
-	U	-	-	U	U	-	-	-	سید*	-	-	-	U	U	-	خوش‌های هجایی
مفتولن فاعلن مفتولن فاعلن															نام وزن واژه	

پرسش‌های پیشنهادی آزمون

۱- تکرار / ۲- مستفعلن فعلون // مستفعلن فعلون / ۳- ناهمسان / ۴- درست - نادرست - درست - نادرست / ۵- هجای پایانی نیم مصراع در شعر دولختی، تابع قوانین پایان مصراع است؛ یعنی در صورتی که در پایان نیم مصراع، یک هجای کشیده یا کوتاه داشته باشیم، آن را یک هجای بلند در نظر می‌گیریم. / ۶- گزینه الف، دلایل با توجه به پاسخ سوالات فعالیت گروهی و کلاسی / ۷- مفعول فاعلاتن // مفعول فاعلاتن

دست*	ز	رُون	بی	گه	خر*	بار*	جو	ی	سو*	ل	لا	پایه‌های آوایی	
شین	ت	آ	این	و	خر	گون	سب	آن	م	خی	خی	خوش‌های هجایی	
-	U	-	-	U	U	-	U	-	U	U	-	نام وزن واژه	
فاعلن				مفتولن				فاعلن				مفتولن	

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

سوال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
پاسخ	ج	ب	ب	ج	ج	ج	د	الف	الف	الف

خودآرایی درس یازدهم

۱- شعر گزینه الف دارای وزن دولختی (دوری) است:

چُرم این ک*	تَن هَاب	دوُرَّتَن هَا	پَكْ عُمَر	پایه‌های آوایی
بُر د بو دم	من دل س	بُر د می خاست*	او سَر س	
فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن	مفعول	

۲- گزینه‌های ب و پ دولختی‌اند: مفعول فاعلاتن // مفعول فاعلاتن

-۳-

م می کَنَد	سرو قی یا	م می کَنَد	باغ سَلَّا	پایه‌های آوایی
ر می ر سند	غُن ج س وَا	دِ می رَوَد	سب ز پِ يَا	
- U-U-	- U U-	- U-U-	- U-U-	
مفاعلن	مفتولن	مفاعلن	مفتولن	خوش‌های هجایی

دلایل: در پایان هر نیم مصراع، مکثی آشکار وجود دارد، گویی یک مصراع تمام می‌شود؛ پایه‌های آوایی نیز یک درمیان و به شکل متناوب تکرار می‌شوند. تعداد پایه‌ها (ارکان) در اوزان دولختی همیشه زوج است.

*گاه شاعر در پایه‌های مثل مفتولن، فاعلاتن و فعلن که دو هجای کوتاه کنار هم قرار می‌گیرند، معادل تو هجای کوتاه در مصراعی نیز یک هجای بلند می‌آورد. (اختیارت شاعری)

۲۰. پایه‌های آوایی در این وزن به شکل مستفعلن فعلون // مستفعلن فعلون نیز قابل جداسازی هستند.

شِ گَر سا زَد	یا آن کِ	شِ گَر بِه تَر	ای دو سَت	پایه های آ و این
قَ مَر سا زَد	یا آن کِ	قَ مَر بِه تَر	خوبی کِ	
-- U	U --	-- U	U --	خوش های هجاین
مفاعیلن	مفهول	مفاعبلن	مفهول	وزن واژه

- ۵- الف) البابی درد (القبا مجاز از سخن) ۵-ب) ای صبح شب نشینان (استعاره- تشخیص) ۵-ج) درودی چو نور دل پارسا یان (درود به نور دل پارسا یان تشبیه شده است).
- ۶- در بیت درون مایه ای عارفانه نهفته است. از دیدگاه مولانا، آنچه بیشتر شایسته دوست داشتن است، آفریننده پدیده های هستی است. این بیت نمایانگر جمال گرانی عارفانه است. در این دیدگاه، برای دوست داشتن و دوست داشته شدن، صاحب جمال بر مخلوق جمیل (زیبا) برتری دارد.

درس دوازدهم: کنایه

فعالیت گروهی و کلاسی

-۱

(د) زرد روی شدن شرمnde شدن، ناراحت شدن	ج) گر خار کاری، سمن ندرöی با کار بد، نتیجه خوب به دست نمی‌آید.	ب) گل بی خار کجاست هیچ آسانی‌ای بدون سختی نیست.	الف) از دهن بیوی شیر آیدش هنوز عقلش کامل نشده‌است. هنوز نمی‌فهمد.
ح) لغزیدن پای دچار خطا و اشتباه شدن	ز) جو کاشتن و گندم ستاندن (← کنایه ج)	و) دهان به دهان گشتن معروف و پرآوازه شدن. موضوع سخن همه شدن	ه) دستش نگیرم - منت پذیرم مانعش نمی‌شوم - بسیار سهاس گزار می‌شوم.
ل) شیر مرغ خواستن خواسته ناممکن داشتن	ک) گندم از گهر پاک کردن - در خاک خفتن هر عملی عکس‌العملی دارد.	ی) دل از گهر پاک کردن - در خاک خفتن عاققی را رها کردن - مردن	ط) ریش در دست دیگری داشتن از خود اراده و اختیار نداشتن

۲- (الف) به مائع و دشواری برخورد؛ (ب) واضح و صریح؛ (ج) با همه وجود، خالصانه؛ (د) فرست از دست رفت. (معادل تیز از کمان بجست)؛ (ح) نستجدید اقدام به کاری کردن

پرسش‌های پیشنهادی آزمون

۱- درست- نادرست- نادرست / ۲- الف: جای بودن ندید (جايز نديدين)، نامردم: کسی که رفتار غیرإنسانی دارد، ناجوانمرد؛ (ب) دستم از دامن بدار: مرا رها کن. ۳- الف) عاشق شدن؛ (ب) بیهوده است، بی نتیجه است؛ (ج) ما را بیاری کن؛ (د) روی من افر گذاشت، مرا تحت تأثیر قرار داد / ۴- الف) کنایه؛ (ب) مجاز؛ (ج) استعاره / ۵- مریم از خوشحالی با دمش گردو می‌شکند: بالآخره دست طرف رو شد؛ ... ۶- دست و پا گم کردن = دچار نگرانی شدن، هول شدن: لغزیدن پای = مرتكب خطأ شدن؛ دندان گرد = طمع کار؛ یکزبان بودن = متحد بودن

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

سؤال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
پاسخ	ب	ج	ب	ب	ج	د	د	ج	الف	الف

خودارزیابی درس دوازدهم

-۱

(ب) صف بودن دل: پاک و بی گناه بودن. معصومیت میل تماساً داشتن: علاقه به خودنمایی و ابراز وجود	(ب) پایی به گل فروشده: کنایه از گرفتار گرد در کسی گردیدن: توسل جستن به او. طلب کردن چیز	(الف) لنگر نهادن کنایه از توقف کردن. بس کردن
(ج) پا به سنگ پرآمدن: به مشکل یا مانع برخورد کردن به فرق پوییدن: با اشتباق در کاری قدم برداشتن	(ث) عنان گسسته: با سرعت و بدون توقف کمین گه: کنایه از موقعیت خطر و تهدید در خاک خفتن: مردن	(ت) دل از گهر پاک کردن: عشق کسی را فراموش کردن

۲- (الف) گهی پشت بر زین، گهی زین به پشت: کنایه است از شرایط متغیر زندگی. ناگزیر بودن شرایط خوب و بد در زندگی؛ ۲- (ب) گندم از گندم بروید، جو ز جو: هر عملی عکس‌العملی دارد. نتیجه هر کار به خود ما باز می‌گردد. ۲- (پ) نقش بر آب زدن کنایه از کار بیهوده انجام دادن؛ ۲- (پ) سرکشی: نافرمانی کنی (سرکشی در معنای اسمی نیز به معنای نافرمانی است).

(ب)	دل بستن: علاقه‌مند شدن، علاقه زیاد پیدا کردن به چیزی. کرانه ناپدید: بسیار وسیع و باعظمت	(ب)	دل بستن: علاقه‌مند شدن، وابستگی عاطفی به امری یا کسی پیدا کردن	(الف)	گوش در پس دیوار بودن: خبرچین و فضول وجود داشتن در جایی
(ج)	در کوپیدن: درخواست کردن خاک بر سر کردن: چاره‌جویی کردن در نهایت بیچارگی	(ث)	پیشانی بر خاک نهادن: عبادت کردن دل برداشتن از چیزی: ترک علاقه	(ت)	از خود به در شدن: بیهوش شدن: بی‌قراری جهان دگر: آخرت، عالم روحانی، دنیای بعد از مرگ

۴- (الف) در قلمرو زبانی، شعر ساده است و خالی از واژگان عربی. درشت در معنای خشن و ناعلامیم به کار رفته است. در قلمرو فکری، شعر بازگوکننده مفاهیم اخلاقی و عملی در زندگی است. شعر واقع‌گرایست و برخوردي منطقی با رخدادهای زندگی دارد، اما نشانه‌های جبرگرایی دارد؛ رسیم سرای درشت (دنیا) این است که گاهی برای ما اتفاقات خوب رقم بزند و گاهی بد. چه بخواهیم، این اتفاق خواهد افتاد؛ زمانی در زندگی خوش و زمانی دیگر ناخوش خواهیم بود.

۴- (ب) شعر ساده، روان و قابل درک است. «مشو»، شکل تاریخی فعل نهی است که امروزه به جای آن «شو» به کار می‌رود. در قلمرو فکری، شعر کاملاً زنگ تعليمی دارد و نکته‌ای حکمی و در عین حال دینی را بیان می‌کند. در آموزه‌های دینی، خصوصاً در قرآن، مؤمنان به دقت در اعمال خود سفارش شده‌اند، زیرا هر عمل خوب یا بدی، ولو اندک، از جانب خداوند بی‌پاسخ نخواهد ماند.

۴- (پ) با توجه به اینکه شعر از زبانی کنایی و ادبی بفره می‌گیرد، تمایل به دشواری در آن مشهود است. کاربرد واژگان حالیاً (در معنای اکنون)، قرین، حقیقت و مجاز، فهم شعر را دشوار کرده است. مجاز و حقیقت نیز با یکدیگر رابطه معنایی تناسب تشکیل داده‌اند. در قلمرو فکری، شعر در بردازندۀ احساسات و بی‌تابی‌های درونی شاعر برای دست یابی حقیقی به آرزوها و آمال خویش است و راه حل را در مناجات، گریه و سوز و زاری می‌بیند. فضای شعر درون‌گرایانه و عاطفی است.

۴- (ت) ریخته‌بال، ترکیبی است بر ساخته شاعر. سرکشی در مصraig دوم می‌تواند هم فعل باشد، هم اسم. در صورتی که آن را اسم تلقی کنیم، در مصraig دوم حذف فعل (می‌کنی) داریم. کاربرد حرف اضافه «به» در مصraig اول به معنای «در» و از ویژگی‌های تاریخی پائقی‌مانده در زبان این دوره است. در قلمرو فکری، با شعر درون‌گرا، ذهنی، احساساتی و مایوسانه رو به رو هستیم.

۵- مفتعلن فاعلن // مفتعلن فاعلن

کارگاه تحلیل فصل

۱- وزن غزل نخست مقاعلن، فعلان، مفعلن، فعلن و غزل دوم مستفعلن، مستفعلن، مستفعلن است.

مقایسه دو غزل در قلمرو زبانی؛ تمایل به بهره‌گیری از واژگان عربی در هر دو غزل دیده‌می‌شود، اما این کاربرد در شعر صائب بیشتر است. در غزل سعدی کاربرد تاریخی و قدیمی افعال فارسی دیده‌می‌شود که نشانه شناوری زبان شعر در کهنه و نو است؛ می‌نکند (به جای نمی‌کند)؛ در بیت نخست و سوم از غزل سعدی، جایه‌جایی ضمیر دیده‌می‌شود؛ هزار جان عزیزت فدای جان ای دوست؛ هزار جان ... فدای تو، گرم تو در نگشایی؛ اگر تو در را برای من نگشایی (ضمیر م متمم است). در غزل صائب تبریزی، دایره و ازگان وسیع و در حوزه‌های گوناگون است و در آن اصطلاحات عرفانی دیده‌می‌شود؛ خط و خال، قهر، لطف...؛ گروه و ازگان متضاد نیز به چشم می‌خورد؛ قهر و لطف، ادبار و اقبال، مغرب و مشرق، تفصیل و اجمال؛ در شعر رگه‌های کاربرد زبان عامیانه را می‌توان دید؛ یک کوچه راه، بی کسی، ریشه ریشه، ...؛ در غزل صائب نشانه‌های پاییندی به سلامت و فصاحت زبان دیده‌نمی‌شود. این نکته اثبات کننده تقدّم معنی بر لفظ در شعر سبک هندی است. به عنوان نمونه، آمال‌ها واژه جمعی است که بهنادرست و برخلاف الگوهای زبان ساخته شده، زیرا آمال، خود، است و نیاز به علامت جمع «ها» نیست. (آمال = امل) در بیت آخر نیز «هرچند» در معنای هرچه‌قدر به کاررفته که به خلاف قاعده‌های معنایی زبان فارسی است.

در قلمرو فکری، غزل سعدی عاشقانه و غزل صائب، حکمت‌آمیز و اخلاق‌مدارانه است. در غزل سعدی، روح تسلیم در برابر عاشقون نمایان است و شعر تداعی کننده جبرگرایی است. سعدی در عشق خویش پاکیاز و تمام‌آمیز تسلیم امر عاشقون است؛ مرا رضای تو باید، نه زندگانی خویش؛ غزل صائب از عشق زمینی فاصله گرفته است، مخاطبین خداست. شعر کاملاً معنی گراست و در هر بیت از مضمون و موضوعی تازه سخن می‌گوید. شعر بن‌مایه و زنگ فلسفی نیز دارد، اما فلسفه موردنظر صائب از درک معنای هستی و پاسخ‌گویی به سوالات ناقص است؛ با عقل گشتم همسفر...؛

۵- (الف) کشته عشق (عشق؛ مشبهه- کشته؛ مشبهه)؛ یاد تو آرامشی سنت طوفانی (یاد تو؛ مشبهه- آرامشی سنت طوفانی؛ مشبهه)

۵- (ب) ایر کرم (کرم؛ مشبهه- ایر؛ مشبهه)؛ باران محبت (محبت؛ مشبهه- باران؛ مشبهه)

۵- (پ) خلمات چهل و خلال (چهل و خلال؛ مشبهه- خلمات؛ مشبهه)؛ چراغ هدایت (هدایت؛ مشبهه- چراغ؛ مشبهه)

۵- (ت) مه طاسک گردن سمندت (ماه؛ مشبهه = طاسک؛ مشبهه)؛ شب طرّه پرچم سیاهت (شب؛ مشبهه- طرّه پرچم سیاه؛ مشبهه)؛ چرخ خاک پایت (عقل؛ مشبهه- خاک پا؛ مشبهه)؛ عقل طفل راهت (عقل؛ مشبهه- طفل راه؛ مشبهه)

۵- (ث) دریای شورانگیز چشمان (چشمان؛ مشبهه- دریای شورانگیز؛ مشبهه)

۳- (الف) عالم مجاز از مردم عالم، نرگس جادو مجاز از چشم (یه قرینه مشبهه)؛ ۳- (ب) خون مجاز از جان؛ ۳- (ج) دست مجاز از توانایی، قدرت

۴- (الف) بت (استعاره از محبوب خوشنیکر)، گل (استعاره از صورت زیبای یار)، ستبل (استعاره از موی یار)، خط (استعاره از موی تازه‌رسته در کناره‌های صورت)؛ ۴- (ب) زندان (استعاره از دنیابی که ما را گرفتار خود می‌کند)، چاه ظلمانی استعاره از دنیابی تاریک / ۶

(ب)	(ب)	(الف)
تشییه: ننمه محبت (بلغ اضافی) استعاره: —	تشییه: — استعاره: آسمان؛ استعاره- تشخیص مجاز: دم زدن؛ مجاز از سخن گفتن کنایه: —	تشییه: باع جهان (بلغ اضافی) استعاره: لامعنان (استعاره از زیارویان) مجاز: — کنایه: داغ بر دل داشتن کنایه از عزادار بودن؛ نیل بر پهلو دانش: کنایه از عزادار بودن؛ ^۱ رفتند کنایه از مردند
مجاز: من و تو مجاز از همه انسان‌ها؛ باد و باران مجاز از پدیده‌های هستی کنایه: باقی بودن آواز کنایه از وجود داشتن، زنده بودن	مجاز: — کنایه: —	—
(ج)	(ث)	(ت)
تشییه: تو روشنی روز، شادی غم‌سوز و ماه شب‌افروز هستی (همگی تشییه بلغ استادی) استعاره: ایر شکریار استعاره از عاشق شیرین سخن مجاز: — کنایه: غم‌سوز کنایه از ازین برندۀ غمۀ شب‌افروز کنایه از روشن کننده	تشییه: سرشک چو باران چکد؛ روزگار عمر چو برق بشد؛ روزگار عمر (تشییه بلغ اضافی) استعاره: — مجاز: غم مجاز از عشق کنایه: —	تشییه: — استعاره: عقل و عشق (استعاره- تشخیص) مجاز: — کنایه: —
تشییه: تو قامت بلند تمثیلی ای درخت (= تو [درخت] به قامت بلند تمنا تشییه شده است)	(ج)	(ج)
	تشییه: — استعاره: آیگیه استعاره از دل	تشییه: بهار توحید، درخت معرفت و یاسمین شوق (تشییه بلغ اضافی) استعاره: —

^۱ در گذشته برای داغ نهادن و نشان دار کردن چیزی از نیل (که گیاهی رنگدار است) استفاده می‌کردند. منظور از نیل در این ترکیب، داغ از دست دادن عزیزان است که در دل می‌ماند.

<p>استuarه: قامت بلند تمناً (استuarه - تشخیص) درخت</p> <p>(استuarه-تشخیص)؛ انسان (استuarه-تشخیص)</p> <p>مجاز: بالا مجاز از بلندمرتبه و شکوهمند</p> <p>کنایه: خفته است کنایه از آرام گرفته است.</p>	<p>مجاز: رفی کنایه از ترک کردی؛ به احتیاط رو؛ باحتیاط رفقار کن؛ مراقب رخدادهای زندگی ات باش</p> <p>کنایه: دل شکستن کنایه از تراحت و رنجیده خاطر کردن؛ مصraig دوم با کنایه به محبوب بی وفا می گویند؛ مراقب باش</p> <p>نتیجه عملت گریبان گیروت نشود.</p>	<p>مجاز: کنایه از آغاز شدن؛ بر دادن کنایه از نتیجه دادن؛ سر زدن کنایه از آغاز شدن</p>
<p>(ر)</p> <p>تشبیه: —————</p> <p>استuarه: گل لوسستان سرا استuarه از معشوق؛ بوستان استuarه از سرای معشوق</p> <p>مجاز: —————</p> <p>کنایه: از پس پرده‌ها در آمدن کنایه از آشکار شدن، خود را نشان دادن؛ کشیدن کنایه از جذب کردن</p>	<p>(ذ)</p> <p>تشبیه: (همگان) گرد بر گوش به کردار صدف بر گرد مروارید (همگان در اطرافش مانند صدف در اطراف مروارید بودند).</p> <p>استuarه: —————</p> <p>مجاز: —————</p> <p>کنایه: —————</p>	<p>(د)</p> <p>تشبیه: چهان سریسر آیه می دان</p> <p>استuarه: مهر (خورشید) استuarه از عشق حق</p> <p>مجاز: یک ذره مجاز از مخلوق بسیار کوچک و ناجی؛ صد مجاز از کثیر و بی شمار</p> <p>کنایه: —————</p>
<p>(ز)</p> <p>تشبیه: نقد ۳۰ جوانی (تشبیه بلیغ اضافی)</p> <p>استuarه: فلک استuarه - تشخیص؛ این رشته استuarه از موی سفید</p>	<p>تشبیه: من همچو گل؛ گلاب سریش (تشبیه بلیغ اضافی)</p> <p>استuarه: مجاز از زمان کم؛ عمری مجاز زمانی طولانی</p> <p>کنایه: خندیدن کنایه از شاد بودن؛ گریستان کنایه از غمگین بودن</p>	<p>(ز)</p>

روز شب	روز شب	بی ق رام	بی ق رام	ب
سر ز کویت	سر ز کویت	بَرَنَ دَارَم	بَرَنَ دَارَم	

بِ تَابِی	بِ تَابِی	خَنَّ سَر	خَنَّ سَر	آَمُرْتُ	الف
وَرَی رَا	وَرَی رَا	ةَ مَسَرُ	ةَ مَسَرُ	سَرِّد	

-۷

دِأَم	كِمْنَ زَن	أَزِينَ يَس	نَمِيَ رَم	ب
دِأَم	بِ رَكَن	سُخَنَ رَا	كِتْخُم	
فعل	فعولن	فعولن	فعولن	

تَوَانَ بُرْدَه*	تَوَانَ بُرْدَه*	زَجَ شَمْ شَو	زَجَ شَمْ شَو	الف
كِ دَائِمَ بَا	كِ دَائِمَ بَا	خَتُّ كَيْ جَان	خَتُّ كَيْ جَان	
فَاعِلَن	فَاعِلَن	فَاعِلَن	فَاعِلَن	

-۸

-۹

عهده

دانش آموز / -۱۰

داشُ د	تی زُتُ پی	ای ه م هنس	ب
ناشُ د	فَرْتُ تُوا	خَكِّ خَنَّ عَى	
فاعلن	مفتعلن	مفتعلن	
-U-U-	-U-U-	-U-U-	

يَا رَامَ دَم	أَزِي شَان	بَا زَامَ دَم	بَا زَامَ دَم	الف
دَرْ مَنْ نَغَر	بَهْ رَتْ غَم	خَرَامَ دَم	خَرَامَ دَم	
مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	
-U--	-U--	-U--	-U--	

-۱۱

الف

كَجا زَوي	وَرَبَ رَوَد	كَجا زَوت	أَزَنَ ظَرَت	الف
نَمِيَ دَهِي	آَمَدَرَه	نَمِيَ كَانِي	رَفَتْ رَهَا	
مفاعلن	مفاعلن	مفاعلن	مفاعلن	
-U-U	-U-U-	-U-U	-U-U-	

دل سِ ياهی	آزُلُوح	آشِكِس	ال
ح گاهی	خرَزَمَ كَا	لَدُجَّمَنَ رَا	
فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	
--U-	U--	-U-	U--

وزن شعر دولختی یا دوری است، زیرا پایه‌ها یکدربیان تکرار می‌شوند، تعداد پایه‌ها در هر مصraig چهارتاست، در پایان هر نیم مصraig نیز مکشی آشکار وجود دارد که به معنای تکرار وزن دو پایه نخست است.

۱۲- گرینه ب وزن دوری (دولختی) دارد. (مفعول مفاعيلن // مفعول مفاعيلن)

۶۶- پول نقد

ن می ماند	شا دا ب	ل این مس قان	دانمه گُ	الف
ت وانا بیں	در وق ت	ض عی فان را	در یا ب	
مفاعیلن	مفعول	مفاعیلن	مفعول	
--U	U--	--U	U--	

چپ ^{۳۳} پ راست*	می رسَ دز	واز عشق*	هونَ ف سا	ب
شا ک راست*	غمِ ت ما	می زویه*	ما ب ف لک	
فاعلن	مفتعلن	فاعلن	مفتعلن	
-U-	-UU-	-U-	-UU-	

ح سو دی دل	آر طع ن	ن با ید بود*	خَم نا ک	پ
ذ بین با شد	خُر *ث	خُواه نی	شا پید ک	
مفاعیلن	مفعول	مفاعیلن	مفعول	
--U	U--	--U	U--	

^{۳۳}. چپ، به ضرورت شعری، مفند خوانده می شود.

- صفحه ۸: **تحفه‌ای برار، تحفه‌ای احرار** درست است.
- صفحه ۱۸: در متن سؤال هفت، «که» تبدیل به «و» شود.
- صفحه ۲۱: در سطر سوم پیش از کلمه «عراقي» را افزوده شود.
- صفحه ۲۱: در نمودار شعر سبک عراقي - قلمرو فکري، واژه «تلیم» تسلیم است.
- صفحه ۲۸: در نمودار نثر سبک عراقي - قلمرو زبانی، مورد چهارم به صورت زیر اصلاح شود:
رواج تاریخ‌نویسی به سبک ساده به دلیل نیاز و توصیه شاهان مغول
- صفحه ۲۹: شماره‌گذاری پرسش‌های پیشنهادی آزمون از شماره ۸ به بعد اصلاح شود.
- صفحه ۳۰: سؤال ۶، گزینه ۵، در حای خالی کلمه ضعیف از قلم افتاده است.
- صفحه ۳۸: سؤال چهار، خط ۴، کلمه «دریاره» اخافی است.
- صفحه ۴۴: در نمون درس، بیت ششم، «بیمار» به بیماری تغییر یابد.
- صفحه ۴۵: ابتدای سؤال ۳ در پرسش‌های پیشنهادی آزمون، «را» اخافه شود. در همین بخش، در متن سؤال ۸، رای نشانه مفعول از قلم افتاده است.
- صفحه ۴۶: در سؤال ۹، گزینه ب، ریز به «ریزم» تغییر کند.
- صفحه ۵۳: شماره‌گذاری فعالیت گروهی و کلاسی اصلاح شود.
- صفحه ۶۹: ابتدای سؤال شماره ۵ در پرسش‌های پیشنهادی آزمون، عبارت «در شعر دولختی» افزوده شود.